ARMY LANGUAGE SCHOOL

PRESIDIO of MONTEREY, CALIFORNIA

4
COPY
8 10 '54
[2]

РУССКИЙ
СРПСКО ХРВАТСКИ
華 語
SHQIP
MAGYAR
日 本 語
TURKÇE
PORTUGUÊS
فارسی
ROMÂNĂ
DANSK
ITALIANO

БЪЛГАРСКИ
POLSKI
粵 語
ČESKY
ΕΛΛΗΝΙΚΑ
한 국 어
ESPAÑOL
FRANÇAIS
العربية
SVENSKA
NORSK
DEUTSCH

DIALOGUES FOR TRAINING INTELLIGENCE LINQUISTS

(ANSWERS)

PERSIAN
LANGUAGE DEPARTMENT

U.S. Army Language School,
" Monterey, Calif.

DIALOGUE FOR TRAINING INTELLGENCE LINQUISTS

(ANSWERS)

[2]

AUGUST 1954

PERSIAN LANGUAGE DEPARTMENT

ARMY LANGUAGE SCHOOL

PRESIDIO OF MONTEREY, CALIFORNIA

PK6239
U532

سوال و جواب برای
تربیت مترجمین ادارات اطلاعات ارتش
(ترجمه از انگلیسی)

جلد دوم - جواب‌ها

نوامبر - ۱۹۵۳

مدرسه زبان ارتش
پرسیدیوی مانتری
کالیفرنیا

vF 9 Dec. 1964
Vol. 2

فهرست مندرجات

جوابها

موضوع	صفحه
ضدّ تانك	
قسمت اول	۱ـ۲
قسمت دوم	۳ـ٤
زره پوش	
قسمت اول	٤ـ٦
قسمت دوم	۷ـ۹
پیاده نظام زره پوش (زرهدار)	۱۰ـ۱۱
مهندس	
قسمت اول	۱۲
قسمت دوم	۱۳ـ۱٤
خدمه تیراندازی آتشبار صحرائی	
قسمت اول	۱۵ـ۱٦
قسمت دوم	۱۷ـ۱۸
دیده بان خطّ مقدّم توپخانه صحرائی	۱۹ـ۲۱
افسر رابط توپخانه صحرائی	۲۲ـ۲۳
افسران رابط (هنگ)	
قسمت اول	۲٤ـ۲۵
قسمت دوم	۲۵ـ۲۷
قسمت سوم	۲۷ـ۲۸
قسمت چهارم	۲۸ـ۳۱
قسمت پنجم	۳۱
قسمت ششم	۳۲

موضوع	صفحه
تیرانداز مسلسل	۳۳
مامورین بهداری	
قسمت اول	۳۶_۳۴
قسمت دوم	۳۷ _۳۶
امر بر	۳۹ _۳۸
جوخه خمپاره انداز	۴۰
سازمان و ساز و برگ	
قسمت اول	۴۱
قسمت دوم	۴۳ _۴۲
قسمت سوم	۴۵_۴۳
قسمت چهارم	۴۷_۴۵
قسمت پنجم	۴۸ _۴۷
رئیس گشتی	۵۰ _۴۹
گشتی	۵۲ _۵۰
متصدی رادیو	۵۳_۵۲
اکتشاف	۵۴_۵۳
تیرانداز تفنگ	
قسمت اول	۵۶_۵۵
قسمت دوم	۵۷ _۵۶
قسمت سوم	۵۹ _۵۷
قسمت چهارم	۶۰ _۵۹
قسمت پنجم	۶۱ _۶۰

موضوع	صفحه
افسر ویژه ستاد	٦٢ـ ٦٤
خصوصیات زمین	
قسمت اول	٦٤ـ ٦٥
قسمت دوم	٦٥ـ ٦٦
قسمت سوم	٦٦ ـ ٦٧
قسمت چهارم	٦٧ـ ٦٩

ضد تانک ـ قسمت ۱

(جوابها)

۱ـ اسم کارلوس رییس مدینا است .

۲ـ در گردان دو هنگ ۱۱۳ پیاده هستم .

۳ـ گروهان ضد تانک .

٤ـ بطرف یکی از توپهای خودتان میرفتم .

٥ـ توپ ۷٥ مم ضد تانک .

٦ـ گروهان ما دو دسته دارد و هر دسته هم دو توپ دارد .

۷ـ با آنها میتوانیم بهدفی که در ۱۳/۷۳۰ یاردی باشد تیراندازی کنیم .

۸ـ تا چهار اینچ قطر .

۹ـ مواد شدید الانفجار و فسفر سفید .

۱۰ـ در محل تقاطع جاده ۷۷ و ۳۰ .

۱۱ـ فقط یکی .

۱۲ـ یکی از گروهان های پیاده با یك مسلسل و یك جوخه پیاده سر دو راهی موضع گرفته اند .

۱۳ـ یك دوراهی دیگر هم هست که باید با توپ دیگر محافظت بشود .

۱٤ـ تقریبا ٤۰۰ یارد در مشرق محلیکه من در آنجا دستگیر شدم .

۱٥ـ یك جوخه پیاده نظام .

۱٦ـ چند مین ضد تانك و چند مین ضد نفرات .

۱۷ـ دو تا کامیون دو تن و نیمی از کار افتاده جاده را مسدود کرده است .

۱۸ـ مهندسین یك مانع با درخت و تخته سنگ در آنجا ساخته اند .

۱۹ـ حفظ جناح دیگر گردان از نزدیك شدن تانکهای دشمن بعهده آنها است . محل قطعی آنها را درست نمیدانم .

۲۰ـ در حدود ۱۰ گلوله شدیدالانفجار ، ٥ گلوله فسفر سفید و ۲٥ گلوله شدید الانفجار ضد تانك .

۲۱ـ نه ، یك مقدار گلوله اضافی هم لازم داشتیم . ما قصد نداشتیم آن موضع را ترك کنیم .

۲۲ـ ۳ افسر ، ٦٥ سرباز و درجه دار .

۲۳ـ یك گروه ارکان ، یك دسته حامل مهمات .

۲٤ـ در پاسگاه فرماندهی گروهان است .

۲۵ـ در حال حاضر یك رادیوی کهنه پیاده نظام از نوع اس سی آر ـ ۳۰۰ . رادیوهای خوبی نیستند و باطری آنها زیاد دوام نمیکند .

۲٦ـ شنیده ام که احتمال دارد بزودی چند تا پی آر سی ـ ۱۰ برایمان بفرستند . از قرار معلوم سبکتر و دایره عمل آنها بیشتر از رادیوهای اس سی آر ـ ۳۰۰ است .

۲۷ـ هر قسمتی یك خط تلفنی صحرائی دارد که با نزدیکترین پاسگاه فرماندهی گروهان پیاده نظام ارتباط دارد .

۲۸ـ در هر گروهان پیاده یك دستگاه موشك انداز داریم .

۲۹ـ اسم آن بازوکا است . کالیبر آن ۲/۳٦ . بی خان است و لوله آن تا میشود .

۳۰ـ این اسلحه را روی شانه میگذارند و ممکن است ایستاده ، نشسته یا در حال دراز کش با آن تیراندازی کرد .

۳۱ـ مواد شدید الانفجار ، مواد شدید الانفجار ضد تانك و فسفر سفید .

۳۲ـ با تفنگ نارنجك انداز مجهز است . یك نوع نارنجك انداز دارند که در سر لوله تفنگ نصب میشود و باین وسیله میتوانند با گلوله های شدید الانفجار ضد تانك یا فسفر سفید تیراندازی کنند .

۳۳ـ دوره دو ماهه آموزشگاه دفاع ضد ارابه های جنگی و تانك را دیده ام .

۳٤ـ آنهائی را که تا بحال بشما گفته ام توپ ۷۵ مم ، بازوکای ۲/۳٦ ، تفنگ نارنجك انداز و توپ ۵۷ مم و کمی راجع به مین های ضد تانك .

۳۵ـ آخرین مدل (م ـ ۹ ـ آ ـ ۱) ۱۵/۸ پوند وزن دارد .

۳٦ـ حالا تمام واحدها با آخرین مدل (م ـ ۹ ـ آ ـ ۱) مجهزند .

۳۷ـ در حدود ٦۱ اینچ .

۳۸ـ ۷۰۰ یارد .

۳۹ـ وزن هر دو نوع گلوله های شدید الانفجار، چه ضد تانکی و چه ضد سنگر، ۳/٤ پوند است . ما یک موشک دیگر هم داریم که برای تعلیمات استعمال میکنیم ، وزن آن هم همین قدر است .

۴۰ـ یک دوربین کوچک شیشه دار (مثل آنچه بزوکاهای شما دارد) در کنار لوله بزوکا نصب شده است . هم چنین دستگاه مدرج دیگری هم دارد که روی آن از صفر تا ۶۰۰ یارد برای فواصل پنجاه یاردی تقسیم شده است .

۴۱ـ با آنها میتوانم موشکهائی که برای علامت در شب استعمال میکنند، بیندازیم .

۴۲ـ برد نهائی هر دو در حدود ۳۰۰ تا ۳۳۰ یارد است . اگر بخواهیم به این فاصله تیراندازی کنیم باید فشنگ نارنجک م ـ ۷ ـ بکار ببریم .

۴۳ـ تیر اندازها میتوانند ایستاده ، نشسته و یا دراز کش با آن تیراندازی کنند . بطور کلی در وضع دراز کش تیراندازی دقیقتر است ولی با تمرین کافی ممکن است ایستاده یا بزانو هم آنرا بخوبی بکار برد .

۴۴ـ یکی از بهترین وضع ها برای تیراندازی قائم، وضع نشسته است ولی این نوع تیراندازی بر ضد زره، زیاد دقیق نیست .

۴۵ـ بیشتر بدیوارهای تانک . اگر گلوله به شنی تانک بخورد ، تانک را موقتا فلج میکند . زره زیر و دیوارهای تانک ها از زره قسمتهای دیگر آن نازکتر است و از این جهت سعی میکنیم به این قسمتها تیراندازی کنیم .

۴۶ـ برد نهائی ۴۲۴۰ یارد است ولی روی شیشه دوربین نشانه روی فقط تا ۱۱۰۰ یارد درجه بندی شده است .

۴۷ـ بله ، نزدیک دوربین نشانه روی چراغ کوچکی نصب است و وقتی هوا تاریک باشد بکمک آن درجات را میتوان دید .

۴۸ـ نور از چراغ های ۳ × ۲ ولتی که بوسیله دو باتری چراغ قوه روشن میشوند بدست میاید .

۴۹ـ درجه با شکاف درجه ، م ـ ۱۸ ، و مگسک (مگسکی که تا میشود) هم دارند .

۵۰ـ از صفر تا ۱۱۰۰ یارد بفواصل صد یاردی تقسیم بندی شده است .

۵۱ـ جمعا ۵ نفر ، رئیس جوخه ، توپچی ، کمك توپچی و دو خدمه حمل مهمات .

۵۲ـ ایستاده ، نشسته و یا دراز کش میتوان با آن تیراندازی کرد در ضمن ممکن است آنرا روی پایه مسلسل M 1917 A1 سوار و تیراندازی کنیم .

۵۳ـ با توپ ۷۵ میلیمتری که بوسیله پایه روی کامیون نصب شده است تیراندازی کرده ایم .

۵٤ـ وزنش ٤٤ پوند است .

۵۵ـ در مسافات زیاد دو نفر و اگر مسافت کم باشد یك نفر آن را میتواند حمل کند .

۵٦ـ نظر باینکه سه پایه زیاد سنگین و برای مسافات دور خوب نیست با دو پایه یا یك پایه (تکپایه) استعمال میکنیم .

۵۷ـ ضربتی

۵۸ـ در حال حاضر دو مین ضد تانك روسی استعمال میکنند .

۵۹ـ اطلاع زیادی راجع به مین ندارم . فقط میدانم که یك نوع ۱۳ـ ۱۵ پوند و نوع دیگر ۲۲ـ ۲٤ پوند مواد منفجره (خرج) دارد . مین کوچکتر در حدود ۱۰ـ ۲۰ پوند فشار برای در رفتن لازم دارد و نوع بزرگتر در حدود ۲۰۰ پوند فشار .

زره پوش قسمت یك (جوابها)

۱ـ گروهبان جاستو اسپینوزا .

۲ـ دسته سوم ، گروهان اول ، گردان اول ، هنگ زره پوش متوسط ۵٦۹ ام .

۳ـ من گروهبان دسته هستم .

٤ـ تانکهای متوسط داریم و این تانکها با توپهای نود میلیمتری مجهزند .

۵ـ سه تا

٦ـ جمعا هر تانك پنج نفر دارد . فرمانده تانك ، توپچی ، راننده ، کمك راننده که در ضمن توپچی جلو هم هست و خرج گذار .

۷ـ دسته من و دسته دوم گروهان ما ماموریت داشتیم که در موقع حمله از پیاده نظام پشتیبانی کنیم .

۸ـ وقتی که حمله شروع شد تانکها در جلو حرکت کردند و پیاده نظام در عقب آنها براه افتاد . وقتی که به نزدیکی هدف رسیدیم تانکها قرار بود بایستند و هدف را زیر آتش بگیرند تا پیاده نظام بتواند در حفاظت آتش آنها به هدف برسد . وقتی که پیاده نظام حاضر به حمله نهائی شد قرار بود موشك هوا کنند تا به آن علامت تانك‌ها از شلیك دست بردارند و بطرف هدف بروند .

۹ـ یك گردان .

۱۰ـ تانکهای ما با رادیوهائی مثل رادیوهای شما مجهزند و با آنها یا با علامات بصری با یکدیگر ارتباط پیدا میکنیم .

۱۱ـ ما هم همینطوره آنها علامت مخابراتی دسته خودشان را دارند و ما هم علامت مخابراتی دسته خودمان را برای ارتباط رادیوئی داریم . نظر باینکه در موقع حمله دسته دیگر که در جناح راست ما بود خیلی با ما فاصله داشت و نمیتوانستیم از علائم بصری استفاده کنیم مجبور بودیم اغلب اوقات با رادیو با هم ارتباط پیدا کنیم .

۱۲ـ بله لازم بود ببینیم رادیوهای‌مان خوب کار میکنند یا نه ، و در ضمن از خط سیر همدیگر هم مطلع باشیم .

۱۳ـ خود هنگ محل تجمعی را در توی درختها در ملتقای رودخانه کنزاس و رپوبلیکان تعیین کرد .

۱۴ـ هنگامیکه در محل تجمعی بودیم چندین کامیون و وسائط نقلیه دیگر در اطراف در حرکت بودند .

۱۵ـ بیشتر آنها کامیون های ۲/۵ تنی بودند ولی چند تائی جیپ هم آنجا بود .

۱۶ـ آنهائی را که من دیدم بنزین و گلوله های ۹۰ میلیمتری حمل میکردند چند تاشان هم آذوقه حمل میکردند .

۱۷ـ وقتی که وارد محل تجمع شدیم چند تا توپ ضد هوائی با کالیبر ۵۰ در آنجا دیدم . هر کدام مستقلا متحرك (سوار عراده) بودند و آنها را خوب استتار کرده و برای تیراندازی حاضر شده بودند .

۱۸ـ سه تا دیدم ولی نمیدانم که بیشتر هم بود یا نه .

۱۹ـ تمام گروهان به محل تجمع آمد و تا آنجائی که من میدانم دسته اول در حال احتیاط در نزدیك همان محل است .

۲۰ـ قبلا پل را بازرسی کرده بودیم و میدانستیم که از آتش توپخانه شما آن پل دیگر قابل عبور نیست . بنابراین نقاط دیگر رودخانه را گشتیم و یك گذار پیدا کردیم که برای عبور ما خوب بود .

۲۱ـ بیشتر اوقات لازم بود که در جاده بمانیم . باران هفته پیش عبور از بیراهه (زمین و دشت و بیابان) را غیر ممکن کرده بود .

۲۲ـ دستوراتی که رئیس دسته بمن داده بود این بود که سر ساعت مقرر شروع خواهد شد مگر اینکه باران شدیدی ببارد . در صورت آمدن باران تند قرار بود حمله اقلا تا ٤٥ ساعت عقب بیفتد تا اینکه زمین ها باندازه کافی برای عبور تانکها خشك بشود .

۲۳ـ آنقدر که من میدانم ـ هیچ .

۲٤ـ مبدا حمله از هدف خیلی دور نبود . بنابراین قرار بود که نفرات در عقب تانکها حرکت کنند .

۲٥ـ تنها اطلاعی که دارم این است که واحدهای توپخانه و خمپاره انداز پس از اندك زمانی که از محل تجمع خارج شدیم ، تیر تهلیه ، بهدف آتش کنند .

بطور قطع میدانم که دیده بان مقدم توپخانه همراه دسته تانك دیگر ما رفت .

۲٦ـ هاویتزر ۱۲۰ میلیمتری و خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری .

۲۷ـ یك مسلسل ۳۰ میلیمتری هم هست که با توپ اصلی در روی یك محور قرار دارد.

۲۸ـ در سمت چپ توپ نود میلیمتری.

۲۹ـ فرمانده تانك یك مسلسل کالیبر ۵۰ میلیمتری در جلوی برج تانك دارد که به هدف های زمینی یا بهدف های هوائی تیراندازی میکنند.

۳۰ـ تیرانداز (توپچی) میتواند هم توپ ۹۰ میلیمتری و هم این مسلسل را هم با کلید برق یا با دگمه دستی آتش کند. خرج گذار هم میتواند با این مسلسل بدون کلید برق تیراندازی کند.

۳۱ـ یك مسلسل ۳۰ میلیمتری دیگر در جلوی تانك است که کمك راننده با آن تیراندازی میکند. اغلب اوقات باو میگوئیم "تیرانداز جلو تانك" برای اینکه این یکی از ماموریت های اصلی او است.

۳۲ـ گلوله های شدید الانفجار، گلوله های فسفر سفید، گلوله های ثاقب با سرعت زیاد و گلوله های ثاقب کلاهك دار داریم.

۳۳ـ بطور کلی هفتاد و دو گلوله ۹۰ میلیمتری حمل میکنیم. این عدد شامل ده گلوله ای است که در جعبه دم دستی برای تیراندازی داریم.

۳۴ـ یك وسیله تخلیه گاز در خود لوله توپ، یك وسیله تهویه هوا هم در داخل برج تانك داریم. یك ترمز در سر لوله توپ است که کمك به کم کردن فشار عقب زدن توپ در موقع تیراندازی میکند.

۳۵ـ یك تلسکوپ (دوربین) و یك پریسکوپ (دوربین سنگری) برای نشانه روی مستقیم و "کادران" (شیشه مدرّج در عرض و طول) نشانه روی غیر مستقیم دارد.

۳۶ـ راننده، خرج گذار و تیرانداز جلو تانك هر کدام یك پریسکوپ (دوربین سنگری) در جایگاه خود دارند. فرمانده تانك هم یك پریسکوپ و بعلاوه یك شکاف رویت که در قبه تانك تعبیه شده است دارد.

۳۷ـ تقریبا ٤٦ تن.

۳۸ـ تقریبا ۳۵ میل در ساعت. معمولا در خارج از جاده سرعت در حدود ۲۰ تا ۲۵ میل است.

۳۹ـ دو تانك بنزین دارد. یکی صد گالن بنزین میگیرد و یکی ۱۳۳ گالن.

۴۰ـ دفعه آخر که به خط جبهه آمدیم، هر یك از تانکهای گروهان ما چهار الی پنج گالن بنزین در هر میل مصرف کرد.

۴۱ـ با این تانکها از گذارهائی که عمق آب تا ۴۲ اینچ باشد میتوانیم عبور کنیم.

۴۲ـ از شیب ۶۰ در صد میتواند بالا برود.

۴۳ ـ اخیرا برای بدست آوردن شنی فولادی در اشکال بودیم و از این جهت یك دسته ما شنی لاستیکی بکار میبرد.

۴۴ـ اغلب رانندگان تانك از شنی فولادی بیشتر خوششان میاید چون زیادتر دوام میکند. شنی (زنجیر) لاستیکی تانك ممکن است پس از کمی استعمال مخصوصا در هوای سرد ترك بخورد یا تیکه هایش بریزد.

۴۵ـ زیاد نه ولی گاهی که هوا خیلی گرم باشد موتور داغ میشود در این صورت اگر در جاده در حال حرکت باشیم باید هر چند وقت یکمرتبه بایستیم و صبر کنیم تا موتور خنك شود.

۴۶ـ ما دو کامیون ۲ تن و نیمی داریم که آنها را در گروهان نگه میداریم و از آنها استفاده میکنیم. خیلی وقت ها به وسائل حمل و نقل اضافی احتیاج پیدا میکنیم و گروهان سرویس حمل و نقل هنگ هر وسیله نقلیه که به آن احتیاج داشته باشیم در اختیار ما میگذارد.

۴۷ـ یك برابر مقدار گلوله یا مهمات مقرری هر تانك را در محوطه گروهان نگاه میداریم.

۴۸ـ مهمات از هنگ دریافت میشود و مستقیما به دسته ها برده میشود و برای این منظور ما باید به گروهان سرویس هنگ برویم و مهمات لازمه را تحویل بگیریم.

۴۹ـ یك انبار بنزین در نزدیکی گروهان داریم و با کامیون های خودمان بنزین برای دسته ها هر جا که باشند حمل میکنیم. برای این منظور چلیك (درام)

های پنجاه گالنی بکار میبریم.

۵۰ـ اینها تنها وسائل نقلیه ای هستند که ما داریم.

۵۱ـ تعمیرات جزئی معمولا در گروهان و یا در خود دسته انجام میشود. اگر بخواهیم موتور (انجین) را عوض کنیم و یا تعمیرات کلی لازم باشد آن در گردان در قسمت سرویس اتومبیل ها انجام میشود، زیرا در آنجا مکانسین های قابل و تعلیم یافته دارند.

پیاده نظام زرهدار (زره پوش)

۱ـ فرمانده های دسته ها به پاسگاه فرماندهی گردان احضار شده بودند وقتی فرمانده دسته ما برگشت نقشه حمله را بما گفت.

۲ـ در موضع تجمع.

۳ـ تانکهای مان را رسیدگی کردیم ببینیم عیبهای کوچك مکانیکی نداشته باشند، بنزین گیری کردیم و ضمنا رسیدگی کردیم ببینیم مقدار مقرری مهمات را همراه برداشته ایم یا نه.

٤ـ تقریبا یك ساعت بعد از آنکه ما به موضع تجمع رفتیم نفرات پیاده نظام هم به آنجا آمدند.

٥ـ رئیس دسته بمن گفت که گروهان اول و سوم گردان پیاده نظام اول شروع بحمله میکنند. گروهان دوم در احتیاط میماند که اگر یکی از گروهان ها احتیاج بکمك داشته باشد کمك کنند.

٦ـ آنها در موضع تجمع با دسته اول تانك ماندند.

۷ـ قرار بود که دسته تانك و گروهان پیاده نظام پنج دقیقه بعد از حرکت ما از مبداء حمله آن موضع را ترك کنند.

۸ـ بنا بود تانکهای دسته اول هر چند نفر راکه میتوانستند سوار کنند و بقیه نفرات پشت سر تانکها حرکت نمایند.

۹ـ با رادیوئی که در برج تانکمان داریم میتوانیم با پیاده نظام ارتباط حاصل کنیم. بعلاوه وسائل ضخابراتی بصری هم بکار میبریم ولی در مواقعیکه پیاده نظام تیر دقیق روی هدف مخصوصی از ما بخواهد با رادیو بما اطلاع میدهد.

۱۰ـ در عقب هر تانك یك دستگاه تلفن وجود دارد که پیاده نظام بوسیله آن میتواند با فرمانده تانك صحبت کند.

۱۱ـ هر وقت گوشی تلفن در خارج تانك برداشته شود، چراغ قرمزی که در برج تانك است روشن و خاموش میشود و اگر فرمانده تانك بخواهد با

نفرات پیاده نظام صحبت کند ، چراغ قرمز در جعبه تلفن در عقب تانك روشن و خاموش میشود .

۱۲ـ مبداء حمله ما از یك جاده فرعی عمود بر خط پیشروی مان بود .

۱۳ـ هیچ نوع علامتی داده نشد .

۱٤ـ تمام افسران و درجه داران ساعت های خودشان را میزان کردند و درست ساعت پنج و نیم همه حرکت کردند .

۱۵ـ در یك پناهگاه تقریبا در دویست یاردی خط عزیمت واقع بود .

۱٦ـ این پناهگاه در حقیقت کف رودخانه خشکی بود که منتهی بیك مسیل میشد .

۱۷ـ یك موشك قرمز بسته بیك پاراشوت (چتر فرود) استعمال کردیم .

۱۸ـ موشك سبز استعمال کردیم .

۱۹ـ پیاده نظام دستور داشت که هر وقت بخواهند حرکات خود را از نظر دشمن مخفی کنند ، این نوع موشك که تولید دود میکند روی هدف بیندازند .

۲۰ـ دسته های تانك . زیرا ما خیلی نزدیك بهدف بودیم و میتوانستیم تیر دقیقتری روی هدف اجرا کنیم .

۲۱ـ دسته ما قرار بود با گروهان ۱ پیاده و آن یکی دسته ارابه جنگی با گروهان ۳ پیاده همکاری کنند .

۲۲ـ قرار بود مسلسل های سنگین از ارتفاعات عقب خط عزیمت آتش پشتیبانی را اجرا کنند .

۲۳ـ وقتی شروع بحرکت کردیم آنها در جناح راست گردان موضع گرفته بودند و قبل از حمله تیر آزمایشی (تصحیح تیر) انجام داده بودند .

۲٤ـ قرار بود بطرف هدف پیشروی کنیم .

۲۵ـ قرار بود دسته ما بمحض اینکه بالای تپه میرسید از گروهان پیاده نظامی که با آنها کار میکردیم پشتیبانی کند . فرمانده گردان فکر کرد که ممکن است یك حمله متقابل از طرف زره پوش های دشمن باشد و او میخواست که ما بالای تپه برای کمك دفاع اضافی ضد تانك حاضر باشیم .

۲٦ـ همان ماموریت . ما در سمت چپ هدف میبودیم و دسته دیگر در سمت راست هدف .

جواب

۱ ـ ۲۳۴۵۶۷۸

۲ ـ من گروهبان یك واحد در دسته مین گذار هستم .

۳ ـ به محوطه ای که دستور اخگر گذاری آنجا را امروز بعد از ظهر داشتم رسیدگی و مطالعه میکردم .

۴ ـ این کروکی "روگذار" نقشه میدان اخگر گذاری است که امروز صبح من اخگر گذاری کردم .

۵ ـ ۵۰ × ۷۵ متر .

۶ ـ آنها اخگرهای ضد تانك است .

۷ ـ اخگرهای ضد نفرات است .

۸ ـ ۵ متر

۹ ـ ۲ متر و نیم

۱۰ ـ ۶ متر

۱۱ ـ اخگر ۴۱ ـ TM سویت (روسی)

۱۲ ـ ۳۵۰ پوند

۱۳ ـ برای بلااثر کردن این اخگر باید کلاهك فشار را که در سرپوش است باز کرد وفیوز را با چاشنی که به آن وصل است به آرامی بیرون آورد .

۱۴ ـ اخگر ضد نفرات ۲ـPOMZ روسی .

۱۵ ـ تا آنجا که من میدانم ، فقط ۴۱ ـ TM روسی .

۱۶ ـ فیوزهای MUV و VPF روسی استعمال شده است .

۱۷ ـ ۲ تا ۲۰ پوند .

۱۸ ـ نمیدانم .

۱۹ ـ من جواب نمیدهم ، من به اندازه کافی راجع به اخگرها اطلاعات داده ام .

۲۰ ـ یك میله آهنی با یك مثلث فلزی به اندازه ۶ اینچ و عرض ۵ اینچ در چهارگوشه میدان قرار داده شده است . این مثلث‌ها را رنگ قرمز زده اند .

۲۱ـ بتمام واحدهای بزرگ و کوچك لشگر داده شده است .

۲۲ـ افسر عملیات هنگی

۲۳ـ من بهیچوجه نمیتوانم از آن منحرف شوم .

۲٤ـ پنج افسر و ۱۹۰ سرباز .

۲۵ـ یك افسر و ۳۰ سرباز .

۲٦ـ یك افسر و ۷٦ سرباز .

۲۷ـ به اندازه دسته پل ساز با قایق .

۲۸ـ ۲ افسر و ۸ سرباز .

(مهندس)

قسمت دوم

۲۹ـ دسته پل ساز .

۳۰ـ من کاری نمیکردم ، وقتی دسته ما مورد تهاجم قرار گرفت ، من اسیر شدم .

۳۱ـ منشی دفتر دسته بودم .

۳۲ـ یك افسر و ۷٦ سرباز .

۳۳ـ یك افسر ، گروهبان دسته و یك منشی .

۳٤ـ نمیدانم .

۳۵ـ در عقب محوطه پاسگاه فرماندهی لشگر .

۳٦ـ نمیدانم .

۳۷ـ فقط سه نوع میدانم ـ پل عبور پیاده نظام (با کلیه وسایل پیاده نظام)، پل ۱۹۳۸ ـ م ، که فقط افراد پیاده میتوانند از روی آن عبور کنند و پل شناور الومینیومی ، برای عبور پیاده ها .

۳۸ـ ما این وسایل را بعد از جنگ جهانی دوم در اروپا جمع آوری کردیم ، این تکه ها و قسمتها در امریکا ساخته شده اند .

۳۹ـ این پل برای عبور وسائط نقلیه ، مهمات و ساز و برگ و تدارکات بکار برده میشود .

۴۰ـ از وسط یك قایق تا وسط قایق دیگر ده فوت است .

۴۱ـ این پل بوسیله طناب و زنجیر به کابل‌های خارج مهار شده است .

۴۲ـ این پل برای عبور افراد آرتش و حمل مهمات و ساز و برگ با دست بعد از عبور دستجات حمله با قایق از رودخانه استعمال میشود .

۴۳ـ یك عده قسمتهای پل شناور قایقی است که بهم متصل هستند .

۴۴ـ هر تیکه پل شناور ۱۲ فوت است که از ۲ قایق تشکیل شده ، یك تخته پل و ۲ میله نرده .

۴۵ـ این پل بوسیله طناب و زنجیر به کابل‌ها مهار شده است .

۴۶ـ بطول ۴۳۲ فوت و عرض ۲۲ اینچ

۴۷ـ ۴۰۰ پوند

۴۸ـ ظرفیت پل معمولی ۷۵ نفر در هر دقیقه در روز و ۴۰ نفر در هر دقیقه در شب است .

۴۹ـ ۲ برابر تعداد در حال عادی .

۵۰ـ ۲۰ تا ۳۰ فوت این پل را میتوان در یك دقیقه بوسیله دسته پل ساز آزموده ساخت . اگر افراد با تجربه نباشند ، دو مقابل مدت برای سوار کردن پل طول میکشد .

۵۱ـ ۳ کامیون دو تن و نیمی بایستی این دستگاه پل را حمل کند .

۵۲ـ عبور سریع پیاده از روی نهر .

۵۳ـ نمیدانم ـ شنیدم که پل ۳۱۵ فوت طول دارد .

۵۴ـ نمیدانم

۵۵ـ تند تر از پل‌های ۱۹۳۸ ـ G مخصوص عبور نفرات پیاده ولی وقت دقیق برای سوار کردن آن معلوم نیست .

۵۶ـ نمیدانم

(خدمه تیراندازی آتشبار صحرائی)

قسمت اول

۱ـ من خدمه توپ شماره ۳ هستم .

۲ـ من چاشنی را کار گذاشته و فلوله را برای پرکردن توپ حاضر میکنم .

۳ـ برای تنظیم درجه مناسب چاشنی ، دستگاه مخصوص نصب فیوز و برای عوض کردن چاشنی ، آچار مخصوص اینکار را بکار میبرم .

٤ـ بله ، هر یکی دو روزی یکبار مورد شلیك قرار میگیریم .

٥ـ ما سنگرهائی دور توپمان داریم که هر وقت شما ما را مورد شلیك قرار میدهید ، داخل آنها میشویم .

٦ـ ده نفر هستند .

۷ـ یکی رئیس قسمت است و درجه گروهبان یکمی دارد . یك گروهبان دیگری هم هست که توپچی است . یك سرجوخه که کمك توپچی است و یك سرجوخه که راننده کامیون است و بالاخره شش سرباز یکم که خدمه توپند .

۸ـ نه ، ولی دیروز توپ شماره یك مورد اصابت قرار گرفت .

۹ـ اول اینطور فکر میکردیم ولی دایره تعمیرات آنرا در نصف روز درست کرد .

۱۰ـ بله ، رئیس دسته یکم و رئیس قسمت توپ شماره یك هر دو زخمی شدند .

۱۱ـ بله ، چهار پنج نفر دیگر هم بودند که هفته پیش مورد اصابت قرار گرفتند .

۱۲ـ نه ، آنها در پست امدادی مداوا شدند و بسر کارشان برگشتند .

۱۳ـ بله ، آتش توپخانه شما خیلی دقیق بود .

۱٤ـ نصف خدمه .

۱٥ـ برای اینکه ما بیست و چهار ساعته کار میکنیم .

۱٦ـ توپهایمانرا در چاله هائی که کنده ایم قرار داده و دور آنها را هم گونیهای شن چیده ایم .

۱۷ـ یك گودالی برای مهمات میکنیم . اگر لازم باشد که برای مدت طولانی در یك محل بمانیم ، روی آن یك سقفی میسازیم ولی اگر توقفمان برای مدت کوتاهی باشد معمولا روی مهمات را با بارانیهایمان میپوشانیم .

۱۸ـ اسمش سروان " ژزف ویلیامز " است .

۱۹ـ سرباز خوبی است .

۲۰ـ اسمش سرهنگ دوم جانسن است .

۲۱ـ من اورا شخصا نمیشناسم ولی از یکی از افسرها شنیدم که فرمانده خوبیست .

۲۲ـ من با یك کاربین ۳۰ کالیبری مجهزم .

۲۳ـ آنها هم همه کاربین ۳۰ کالیبری دارند .

۲٤ـ چند تا مسلسل داریم .

۲۵ـ تعداد درست آنها را نمیدانم ولی چهار یا پنج تا هستند که دایره وار دور آتشبار قرار گرفته اند .

۲٦ـ چند نفری داریم که شبها دور آن کشیك میدهند .

۲۷ـ ساخت آنها را نمیدانم ، ولی ارتش به آنها مسلسل سنگین ۵۰ میلیمتری HBM2 میگوید .

۲۸ـ آنها را روی یك سه پایه سوار میکنند .

۲۹ـ بله ، یك موشك انداز داریم .

۳۰ـ آن یك موشك انداز ۳/۵ اینچی است .

۳۱ـ پنج یا شش افسر . درست نمیدانم چند نفر .

۳۲ـ بعضی از آنها دیده بانهای مقدم هستند و خیلی بندرت همراه آتشبار ند .

۳۳ـ ما بطرف جنوب شلیك میکردیم .

۳٤ـ ارتفاع قطعی آنرا نمیدانم ولی میدانم که در ارتفاعی بیش از مجمول شلیك میکردند

۳۵ـ دستگاه نشانه روی با دوربینی خیلی قوی بکار میبریم .

۳٦ـ برای یك شلیك کوتاه مدت ، چهار تیر در دقیقه میتوانیم خالی کنیم ولی برای تمام روز ، فقط دو تیر در دقیقه شلیك میکنیم .

۳۷ـ بوسیله قسمت مهمات آتشبار تحویل داده میشوند .

۳۸ـ نمیدانم . تنها کسانیکه من دیدم آنهائی بودند که مهمات را تحویل میدادند و آنها معمولا سه نفر بودند . آنها معمولا زیاد نزدیك آتش نمی مانند .

(خدمه تیر انداز آتشبار صحرائی)

قسمت دوم

۳۹ـ من رئیس یك قسمت تیر اندازی هستم .

۴۰ـ یك توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری و نه سرباز دارم .

۴۱ـ مراقبت میکنم که از توپ بطور شایسته ای نگهداری بشود .

۴۲ـ مقصودم اینست که مراقبت میکنم توپ را خوب پاك نگهداشته و همیشه برای شلیك آماده باشد . ونیز یك دسته تعلیم دیده ، همیشه برای شلیك حاضر باشند .

۴۳ـ نه ، توپچی یا کمك توپچی اینکار را میکند . من غالبا کار آنها را بازرسی میکنم که هدف گیری را بدقت انجام بدهند .

۴۴ـ برای اینکه کارکنان توپ را به دو قسمت مختلف تقسیم کرده ام که بتوانیم در بیست و چهار ساعت شلیك کنیم . یعنی توپچی و کمك توپچی در واقع یك کار میکنند .

۴۵ـ آنرا در گودال قرار داده و گونیهای شن دور آن می چینیم .

۴۶ـ نه ، آن کار آتشبار است . تنها کاری که ما میکنیم این است که گودالی حفر کرده ، آنرا در گودال قرار میدهیم . نفراتیکه برای محافظت محوطه لازمند ، از طرف آتشبار تعیین میشوند .

۴۷ـ آنها از طرف قسمت مهمات ، دایره تعمیرات و ستاد آتشبار تعیین میشوند .

۴۸ـ ۹ نفر در این قسمت هستند .

۴۹ـ آنها مهمات را از مخزن مهمات گردان به آتشبار میاورند .

۵۰ـ یك گروهبان یکم دارند که رئیس قسمت است ، سه سرجوخه که راننده کامیونهای حمل مهماتند و پنج سرباز که متصدی مهماتند .

۵۱ـ آنها سه کامیون باری دو تن و نیمی کوچك ، مجهز به جرّ اثقال و یك اطاق یدکی دارند . (م ـ ۱۰)

۵۲ـ این فقط یك اسم پر آب و تابی برای راننده کامیون است .

۵۳ـ یك کامیون دو تن و نیمی با اکسل کوتاه و جر اثقال ، که برای کشیدن توپ استعمال میشود .

۵۴ـ بله ، همه کارکنان و تجهیزاتمان را با آن حمل و نقل میکنیم .

۵۵ـ فرامین بمرکز تعیین جهت آتش رسیده ، بعد از آنجا بتوپچیها ابلاغ میشود .

۵۶ـ از آنجا آتش و تیراندازی آتشبار تنظیم میشود .

۵۷ـ از مرکز فرماندهی آتشبار رئیس ارکان آتشبار اداره میشود .

۵۸ـ هفت نفر در مرکز هدایت آتش هستند .

۵۹ـ دو نفر از آنها ستوانند . یکی افسر ارکان آتشبار و دیگری معاون اوست . دو نفر سرگروهبان که هردوشان متصدی آتشبارند . یك گروهبان که جهت آتش را حساب میکند ، یك سرجوخه که مکانیك توپخانه و یك سرجوخه که مامور ثبت است .

۶۰ـ لازم است که همیشه یك افسر در مرکز تعیین آتش حاضر باشد .

۶۱ـ معمولا یك دیده بان مقدم اینکار را میکند ولی ممکن است از طرف توپخانه گردان لشکر فرستاده شود . بعضی وقتها واحد پیاده نظامیکه در تحت اختیار ماست ، تقاضای شلیك میکند ولی آنها معمولا اینکار را توسط دیده بان مقدم میکنند .

۶۲ـ سه دیده بان مقدم داریم .

۶۳ـ معمولا از یك گردان پیاده پشتیبانی میکنیم و بهر یك از گروهانهای رزمی آن یك دیده بان مقدم میفرستیم .

۶۴ـ همه دیده بانهای مقدممان ستوان هستند .

۶۵ـ هر گروه دیده بانی مقدم از ، دیده بان مقدم ، یك گروهبان و یك سرباز یکم تشکیل میشود .

۶۶ـ گروهبان مزبور ، گروهبان مامور تحصیل اطلاعات و سرباز یکم متصدی رادیو و تلفن است .

۶۷ـ یك دفتر فرماندهی آتشبار ، یك قسمت مخابرات و تنظیم آتش و یك قسمت تعمیرات .

۶۸ـ دفتر فرماندهی آتشبار کلیه کارهای اداری آتشبار را انجام میدهد و متصدیان تنظیم آتش و مخابرات ، عهده دار کارهای مربوط به آتش و مخابره با دیده بان ـ های مقدم میباشند و قسمت تعمیرات شامل کلیه نفرات فنی آتشبار از قبیل آشپزها و مکانیسین ها است .

۶۹ـ از تشکیلات دفتر فرماندهی ، قسمت مخابرات و تنظیم آتش و قسمت تعمیر آتشبار اطلاعی ندارم . گروهبان یکم در دفتر فرماندهیست ، قسمت مخابرات و تنظیم آتش دارای عده ای مامور مخابراتست و آشپزها و مکانیسینها در قسمت تعمیرند .

(دیده بان خط مقدم توپخانه صحرائی)

۱ـ آتشبار من در ۱۵۰۰ متری پست دیده بانی ام واقع شده است .

۲ـ پست دیده بانیم در روی تپه ۴۵۲ ، یعنی همانجائیکه مرا اسیر کردید ، بود .

۳ـ در آتشبار من چهار توپ ۱۲۲ میلیمتری هاویتزر هست .

۴ـ ما دو دسته تیراندازی، یك دسته دیده بانی، یك دسته مهمات و یك پاسگاه فرماندهی و یك دسته تعمیرات داریم .

۵ـ هر دسته آتش دو توپ دارد .

۶ـ توپها با وسایل نقلیه حمل میشوند .

۷ـ کامیون بکار میبریم .

۸ـ ۹ کامیون داریم .

۹ـ هشت تای آنها کامیونهای دو تن و نیمی (قوه روی شش چرخ تقسیم میشود) و یکی از آنها کامیون ۱/۴ تنی (قوه روی چهار چرخ تقسیم میشود) است .

۱۰ـ نه ، چهار تا از آنهائیکه برای حمل توپها بکار برده میشود ، از نوع (س و ب) بوده و دارای جر ثقیلند.(س و ب) یعنی دارای اکسل کوتاه). چهار کامیون دیگر از نوع دو تن و نیمی (۶×۶) استاندارد هستند .

۱۱ـ آن اتومبیل فرماندهی و متعلق بفرمانده آتشبار است .

۱۲ـ سروان ژزف ویلیامز .

۱۳ـ یکی از بهترین فرماندهان است . او مدرسه توپخانه را دیده است ، کارش را خوب میداند و جدی است ولی با نفرات آتشبار بطور خیلی عادلانه ای رفتار میکند . همه او را دوست دارند و آتشبارش بهترین آتشبار گردانست .

۱۴ـ سرهنگ دوم " ویلیام ب. جانسن " است .

۱۵ـ بد نیست . من فرماندهان گردان بهتر از او داشته ام . معمولیست .

۱۶ـ به آنها تلفن کرده ، میگویم که میخواهم شلیك بکنم .

۱۷ـ نه ، یك رادیو دارم که اگر تلفن از کار بیفتد از آن استفاده میکنم .

۱۸ـ برای تماس با آتشبار یك تلفن ئی ئی ۸ آ بکار میبرم .

۱۹ـ یك رادیوی آن/ ج ر س ـ ۶ " دارم .

۲۰ـ به آنها تلفن میکنم .

۲۱ـ نه ، برای تماس با پیاده نظام از یك تلفن مخصوص استفاده میکنم .

۲۲ـ نه ، تنها وسیله ارتباط من با ایشان غیر از موقعیکه با ایشان به ماموریت پاسداری میروم ، آن تلفن مخصوص است .

۲۳ـ یك رادیو بمن میدهند که بتوانم با پست فرماندهیشان در تماس باشم .

۲٤ـ یك مدل تازه ایست که اخیرا شروع به استعمال آن کرده اند . فکر میکنم اسمش (آ ن / پ ر س ـ ۱۰) است .

۲۵ـ نه ، باید پیغامها را توسط پیاده نظام به آتشبارم بفرستم .

۲٦ـ من پیغاماترا بوسیله رادیو به پیاده نظام میفرستم و آنها این پیغاماترا بوسیله تلفن بگردان من منتقل میکنند و گردان آنها را به آتشبار میرساند .

۲۷ـ علامت مخابراتی آتشبار من " جغد سفید " است .

۲۸ـ برای علامت مخابراتی خودم " جغد سفید پیش" را بکار میبرم .

۲۹ـ علامت آنها " سر نیزه ایبل " است .

۳۰ـ علامت مخابراتی اصلی گردان " جغد " است . تنها علامتی که من بکار برده ام جغد ۳ است ، که مرکز هدایت آتش میباشد .

۳۱ـ در مکالمات تلفنی همین علاماترا همیشه بکار برده ایم ولی هر دو یا سه هفته یکمرتبه ، علامت مخابراتی رادیو را تغییر میدهند .

۳۲ـ مدتی است یك علامت مخابراتی رادیوئی بکار میبردیم ولی در ظرف چند روز آینده باید تغییر کند .

۳۳ـ تقریبا بهر نوع هدفی . تنها محدودیتی که گذاشته اند اینست که هدف انقدر بزرگ باشد که ارزش اینرا داشته باشد که مورد شلیك قرار بگیرد .

۳٤ـ هر دسته ای که در حدود ۸ تا ۱۰ نفر در آن باشد .

۳۵ـ نه ، بعضی وقتها میگذاریم که بخطوطمان خیلی نزدیك بشوند که بتوانیم اسیرشان کنیم .

۳٦ـ بله ، بمن دستور داده اند که بهر وسیله نقلیه ای که میبینم ، شلیك کنم .

۳۷ـ تقریبا هر قدر بخواهم .

۳۸ـ تنها دفعه ایکه از لحاظ مصرف مهمات محدودیت داشتیم ، موقعی بود که بما یك ماموریت آتش داده بودند و لازم بود در مصرف مهمات صرفه جوئی کنیم .

۳۹ـ نه، اجازه ندارم که مهمات را حرام کنم . باید در مصرف آن صرفه جوئی کنم و بهدفهای مختلف به اندازه کافی تیر شلیك کنم .

۴۰ـ ما حد اقل مهمات لازم را نگهمیداریم .

۴۱ـ حد اقل مهمات لازم ما ۲۵۰ گلوله است .

۴۲ـ چون این مقداریست که میتوانیم با وسایل نقلیه خود حمل کنیم .

۴۳ـ بسته بهدف است .

۴۴ـ من گلوله های شدید الانفجار با چاشنی زمانی متغیر یا چاشنی که بمحض اصابت منفجر میشود بکار میبرم .

۴۵ـ چاشنی متغیر بهترین چاشنیست، گرچه چاشنی زمانی هم بهمان خوبیست .

۴۶ـ گلوله های شدید الانفجار را با ترکیبی از فیوزهای دیگر بکار میبرم . اگر در سنگر دائمی باشند ، چاشنی تاخیری بکار میبرم .

۴۷ـ گلوله های شدید الانفجار با چاشنی متغیر و چاشنی که بمحض اصابت بهدف منفجر میشود بکار میبرم .

۴۸ـ بله ، فسفر مولد حرارت، فسفر مولد دود و فسفر سفید داریم .

۴۹ـ همه گلوله های نیمه ثابت است .

۵۰ـ برد تقریبی آنها ۱۴،۰۰۰ متر است .

۵۱ـ حد اقل برد آنها ۳۵۰ متر است .

۵۲ـ دود رنگارنگ در روز و شعله های فشفشه ای در شب برای تطبیق آتش توپخانه با محل پیاده نظام بکار میبرند . قبل از عملیات قرار میگذاریم که چه نوع علامتی بکار ببریم .

۵۳ـ بوسیله آتش از پیاده نظام پشتیبانی کنیم .

۵۴ـ آنها مشغول ساختن مواضع دفاعی هستند .

(افسر رابط توپخانه صحرائی)

۱ـ افسر رابط توپخانه صحرائی هستم .

۲ـ من با واحد پیاده نظامی کار میکنم که گردان من از آن پشتیبانی میکند و توسط من تطبیق آتش تامین میگردد .

۳ـ من مستقیما با ستاد پیاده نظام در ارکان پستشان کار میکنم .

٤ـ من معمولا با ستاد گردان پیاده نظام کار میکنم ولی با ستاد هنگ پیاده نظام هم کار کرده ام .

۵ـ آن کار را دوست دارم . چون موقعیتی است که میتوانم به آنها نشان بدهم که چقدر توپخانه به آنها کمك میکند .

٦ـ من برای آتشبار کار نمیکنم . برای گردان ۳٤۹ توپخانه صحرائی کار میکنم .

۷ـ چهار افسر رابط در گردان من هست .

۸ـ آنها هم همانکار من را میکنند . دو نفر آنها با گردان دیگر این هنگ کار میکنند و سومی در ستاد هنگ پیاده نظام کار میکند .

۹ـ خیلی کم . افسر رابط منطقه عملیاتش وسیع است ، ولی کار اصلی او مربوط به تطبیق آتش توپخانه هائی که به هنگ کمك میکنند ، میباشد .

۱۰ـ در عمارت سنگی که روی نشیب شمال غربی تپه ۳۹٦ واقع شده است ، میباشد .

۱۱ـ سرگرد ویلیامز است .

۱۲ـ افسر خوبی بنظر میرسد . تمام افراد ستاد و گردان برای شخصیت او احترام زیادی قائل هستند .

۱۳ـ گردان سوم هنگ ۲٦ پیاده نظام است .

۱٤ـ در دره کوچکی درست در مغرب تپه ۵۰۳ واقعست .

۱۵ـ آتشبار " س " در دره با ستاد گردان واقع شده است . آتشبار " ا " در دره مغرب ستاد گردان واقع شده است . آتشبار " ب " در دره مشرق ستاد گردان قرار دارد .

۱٦ـ نمیدانم . مدتی است که با آتشبارها تماسی نداشته ام و شنیده ام که همه آنها عوض شده اند . قبلا سروان براون در آتشبار الف و سروان اسمیت در آتشبار "سی" و ستوان یکم پیترز در آتشبار " ب " بودند .

۱۷ـ سرهنگ دوم " ویلیم ب. جانسن " .

۱۸ـ بله ، او یکی از بهترین فرماندهان است . با کار هر آشنائی کامل دارد . از جریان تمام کارهای گردان مطلع است و همه با او همکاری میکنند .

۱۹ـ سرتیپ " مایك او تول " .

۲۰ـ بهترین فرمانده است . تمام تئوریهای او راجع بتوپخانه در مدارس توپخانه درس داده میشوند .

۲۱ـ تقریبا یك میل در شمال ستاد گردان ، در یك جنگلی در امتداد لبه نهر ، آنجائیکه از جاده میگذرد ، واقع است .

۲۲ـ در طرف راست جاده ، وقتی تقریبا صد متر بطرف شمال و خارج از جاده میروید .

۲۳ـ درست قبل از اینکه از رودخانه عبور کنید .

۲۴ـ من هیچ دیده بانی مستقیم ندارم، ولی باید بکمك دیده بانهای مقدم و هوائی کار کنم .

۲۵ـ او دیده بانیست که بر فراز منطقه دشمن با هواپیمای سبکی به اکتشاف میرود .

۲۶ـ دو هواپیمای سبك داریم و هر دو برای دیده بانی هوائی استعمال میشوند .

۲۷ـ یك رادیوی " ا ن / گ ر سی ـ ٦ " دارم که بتوسط آن با پستهای دیده ـ بانی هوائی و دیده بانهای مقدم تماس میگیرم .

۲۸ـ نه، یك خط تلفنی مستقیم به دیده بانهای مقدم دارم و اگر آن کار نکند ، میتوانم از تلفنهای پیاده نظام استفاده کنم . اگر نتوانم با رادیو با دیده بانها تماس بگیرم ، میتوانم با تلفن خودمان به گردان تلفن کنم و آنها با دیده بان تماس بگیرند .

۲۹ـ بله ، ولی اگر آن کار نکند ، میتوانم توسط تلفن پیاده نظام بگردان خبر بفرستم .

۳۰ـ به هنگ پیاده نظام تلفن میکنم و سعی میکنم توسط افسر رابط توپخانه که در هنگ است با گردان توپخانه تماس بگیرم . اگر تلفن او کار نکند ، از پیاده نظام خواهش میکنم به لشگر تلفن کند و بعد لشگر بتوپخانه لشگر تلفن نموده و پس از آن توپخانه لشگر بگردان من تلفن میکند .

۳۱ـ مطمئن نیستم . فقط یکدفعه آنهم در شب آنجا بوده ام .

۳۲ـ باید در شهر " ویلیامز برگ " باشد .

۳۳ـ درست نمیدانم کجاست ولی معمولا در بزرگترین عمارت شهر قرار دارد .

(افسران رابط هنگ)

قسمت اول

۱ـ سروان فابیان رنه وویت ، قربان .

۲ـ در دفتر گروهان ، هنگ ۲۶ پیاده نظام، لشکر ۹ پیاده هستم .

۳ـ افسر رابط هستم .

٤ـ هنگ ٦۲ پیاده نظام .

٥ـ لشکر ۱۲ پیاده نظام .

٦ـ سرهنگ " یابان " . فکر میکنم اسم کامل او " رالف یابان " باشد .

۷ـ این دو هنگ همجوار یکدیگرند . هنگ ٦۲ در سمت چپ یا جنوب ۲٦ است .

۸ـ جاده " هالفا مارتینیک " .

۹ـ یك موضع مستحکمی در پنجاه یاردی رودخانه و تقریبا ده یاردی جاده واقعست، در میان کاجهای کوتاه و روی تپه کوچکی قرار دارد .

۱۰ـ بله ، یك پل در آن نقطه هست .

۱۱ـ مقصودتان از عبور و مرور زیاد ، چیست ؟

۱۲ـ من مهندس نیستم ، ولی میگویم مناسب نیست .

۱۳ـ شنیده ام که یك کامیون دوتنی میتواند از روی آن بگذرد . این حرفیست که افسر عملیات هنگ بمن گفت و مهندسین هم به او گفته بودند .

۱٤ـ یك واحد تامینی قوی در میان درختان در مقابل هنگ ۲٦ واقعست .

۱٥ـ مطمئن نیستم ولی خیال میکنم یك دسته درهرنقطه ای باشد .

۱٦ـ در حدود دو توپ ضد تانك از هنگ ضد تانك لشکرمان در موضعی تقریبا صد یارد از اینجا در جاده ، موضع دارد .

۱۷ـ من هیچوقت آن محل ها را روی زمین ندیده ام ولی طبق نقشه محلی این موضع روی یك برجستگی کوچك سر پیچ جاده قرار دارد .

۱۸ـ تقریبا مستقیما بطرف مشرق . شاید کمی بطرف جنوب ولی تقریبا درست بطرف مشرق .

۱۹ـ دو تا توپ ۱۰٥ میلیمتری سرپ هست . سرپ یعنی خودرو .

۲۰ـ نمیدانم ، برای اینکه افسر رابط لشکر ، سروان رومانز ، روز پیش گفت که بعضی از تانکهای خودرو را به واحد دیگری فرستاده اند ، ولی نگفت چه واحدی .

۲۱ـ غیر از آنچه تا بحال بشما گفته ام ، چیز دیگری راجع به آن نمیدانم .

۲۲ـ خط مقاومت واحدهای تامینی در امتداد ساحل چپ رودخانه "امیبك" است .

۲۳ـ چیزی راجع به آن نشنیده ام . آن معمولا کار گردانها است .

۲۴ـ اجازه بدهید فکر کنم ، گروهان اول سمت چپ است و گروهان سوم کنار گروهان اول است .

۲۵ـ آن گروهان یك گردان اول است . وقتی بطرف مغرب خطوطتان میایستید در سمت چپ شما است .

۲۶ـ مطمئن نیستم ولی خیال میکنم دره ای است که تقریبا در نهصد یاردی خط فاصل هنگهای ۲۶ و ۶۲ واقع شده است .

۲۷ـ در ذخیره گردان ، در " اریکا" است .

۲۸ـ گردان دوم .

۲۹ـ جاده خاکی که به گدار رودخانه منتهی میشود .

۳۰ـ هیچ . جز اینکه جاده از جزیره کوچکیکه در وسط رودخانه است میگذرد .

۳۱ـ تا آنجائیکه من میدانم گداری وجود ندارد .

۳۲ـ نمیدانم . فقط میدانم که گروهانهای دوم و سوم در خط هستند .

۳۳ـ هیچ اطلاعی ندارم .

۳۴ـ تا هنگ سی ام امتداد دارد .

۳۵ـ آن جزو لشکر ماست .

۳۶ـ نهر سینی .

افسران رابط (هنگ)

قسمت دوم

۳۷ـ بهیچوجه تماسی نداشته ام . تنها چیزی که راجع به این واحد میدانم از نقشه محلی و صحبتهائیست که در اطراف هنگ شنیده ام .

۳۸ـ بله ، شب پیش هنگ سی ام جای آنها را گرفت . نمیدانم که نوزدهم در حال حاضر کجاست ولی میدانم که تعویض شدند .

۳۹ـ در این باره به شب پیش رجوع میکنم . تعویض قرار بود تا ساعت ۵ بعداز نیم ـ شب انجام بشود .

۴۰ـ ممکن است که این تعویض مقرره هنگها باشد ، ولی من بشخصه خیال نمیکنم اینطور باشد . خیال میکنم بواسطه اینستکه آنها دیگر قدرت جنگی ندارند . البته میدانید که در حدود یك هفته پیش آنها شکست بدی خوردند . شنیدم که در حدود ۲۰ در صد سربازانشانرا از دست دادند .

۴۱ـ سروان " رومانز " بمن گفت .

۴۲ـ در نزدیکی محل تقاطع جاده " کنتیدا " و جاده ایکه خط فاصل بین گردان اول و گردان دوم است ، جاده را مسدود کرده است .

۴۳ـ در جنگل ، درست در مغرب دفتر فرماندهی هنگ میباشد .

۴۴ـ در ده " کنتی " است .

۴۵ـ دفتر فرماندهی در عمارت شهرداریست . ولی س ۱ و س ۴ (دفتر ۱ کار ـ گزینی و دفتر ۴ کارپردازی) در پستخانه قرار دارد . فرماندهان هم در خانه شهردار منزل دارند .

۴۶ـ من فقط میدانم که گروهان اول گردان سوم امنیت ستاد فرماندهی هنگ را تامین میکند .

۴۷ـ چند تا از توپهای خود رو ۷۵ میلیمتری گروهان ضد تانك هنگ در آنجاست . من دو تا از آنها را دیدم .

۴۸ـ نمیدانم . توپها از گروهان گرفته شده و به گردانها داده شده اند .

۴۹ـ نیم میل دورتر از کنتی در مشرق تپه ای که در جنگل واقع شده است .

۵۰ـ جاده در صد یاردی جنگل میباشد . جنگل در جنوب جاده است .

۵۱ـ افسر عملیات هنگ ، سرگرد کاروبا ، بمن گفت که در خانه بزرگ روستائیست .

۵۲ـ نمیدانم . هیچوقت آنجا نبودهام .

۵۳ـ سرهنگ دوم " جولیوس سورانتی .

۵۴ـ ظاهرا سربازان از او زیاد خوششان نمیاید .

۵۵ـ دلیلش را نمیدانم . یك هفته پیش به هنگ ملحق شد و من هنوز او را ملاقات هم نکرده ام .

۵۶ـ او دوست من " سروان وان سزار فیلیپی " است . او کسی است که بمن گفت سرهنگ دوم ، مورد علاقه سربازان نبود . دلیلش را نگفت .

۵۷ـ خیلی خوب افسریست . همه خیال میکردند که او فرمانده گردان خواهد شد .

۵۸ـ سروان جیز سپدرو سکورا است . فیلیپی میگوید که او سرباز خارق العاده ـ ای است . وقتی گردانتان در خط نبرد است ، او ظاهرا همه جور اطلاعات راجع به سربازان شما دارد . شایع است که سکورا به دفتر اطلاعات هنگ میرود .

۵۹ـ سرگرد واپیستولا ، افسر اطلاعات هنگ ، بهترین افسر اطلاعات در لشگر محسوب میشود و قرار است در ظرف یك هفته به پست اطلاعات لشگر برود . سکورا در هنگ جانشین او خواهد شد .

افسران رابط (هنگ)

قسمت سوم

۶۰ـ شما اطلاعی راجع بواحد ما ندارید ؟ مقصودم سرهنگ فرناند و فلیس است .

۶۱ـ او افسر بسیار خوبیست .

۶۲ـ بعقیده من سرهنگ اطلاعات کامل راجع به تاکتیك دارد و با اینکه خیلی جدی و انضباطیست ، باز سربازان و افسران برای او احترام قائلند . او عمویم است .

۶۳ـ بنظر سرهنگ . مرد خوبیست . ولی من خیال میکنم که خیلی از خود راضی و خود خواه است . گروهبان عملیات تمام کارهای او را انجام میدهد . مقصودم گروهبان وستا است .

۶۴ـ بله ، سرگرد یکی از بهترین افسرهاست . بزودی فرمانده خواهد شد .

۶۵ـ اینطور شایع است .

۶۶ـ پدرو وسپوچی . خیلی ناراضیست از اینکه کار یك سرگرد را میکند ولی فقط درجه سروانی دارد .

۶۷ـ بله ، او افسر خیلی خوبیست . دلیل آنرا نمیدانم ، فقط در لشگر ما ترفیعاترا خیلی دیر بدیر میدهند .

۶۸ـ اینطور شنیده ام .

۶۹ـ سروان رومانز ، افسر رابط لشگر ما .

۷۰ـ هیچ شکایتی نشنیده ام .

۷۱ـ یك افسر تازه ای بنام سروان رنو ، افسر کار ... ازی ماست .

۷۲ـ یك سروان .

۷۳ـ من نماینده شخصی فرمانده هنگ هستم .

۷٤ـ من نقشه عملیات را بین دو واحد میبرم و به هنگم اطلاعات راجع به عملیات ویژه ٦۲ ام را میرسانم . برای هنگ علامات و عکس‌علاماتیرا که ٦۲ ام در ۲٤ ساعت بعد ، استعمال خواهد کرد ، میاورم . مهمترین کاری را که میکنم ، طبق گفته افسر عملیات ، این است که به مذاکراتی که بین او و دیگر اعضاء برای عملیات آینده صورت میگیرد ، گوش‌میدهم . بعد این اخبار را به سرگرد واپیستولا میگویم که او قبل از عملیات و اعلام رسمی نقشه عملیات به او ، بداند که چه اتفاقی خواهد افتاد .

۷۵ـ بله ، یادداشتهای کامل .

۷٦ـ پیغامهای شخصی و در ضمن نقشه ها . در حقیقت هرچیزیکه مقتضیات آن ایجاب کند که با شخص‌مربوطه شخصا ملاقات شود یا پیغامهائیکه بواسطه محرمانه بودنش نتوان آنرا بوسیله تلفن یا رادیو فرستاد . همچنین کروکی ها را از یك واحد بواحد دیگر میبرم .

۷۷ـ کروکی هائی که مواضع و نقشه های مهم را بهر دو فرمانده نشان میدهد .

۷۸ـ مواضع هنگی که همجوار منطقه ایست‌که توسط هنگ دیگری اشغال شده است .

افسران رابط (هنگ)

قسمت چهارم

۷۹ـ تقریبا در یك میلی مغرب " بویز " در طرف جنوب جاده .

۸۰ـ خوب ، اگر اسمش‌را بخواهید عارضه طبیعی بگذارید ، در تنها بیشه بزرگی‌که در این حدوداست قرار دارد . در هزار یاردی‌مغرب پاسگاه اصلی فرماندهی تپه نسبتا بزرگی وجود دارد که به‌آن میگویند تپه ۱۷۰ . بمناسبت ارتفاع آن تپه که ۱۷۰ پا است .

۸۱ـ جاده خاکی که از جاده اصلی منشعب‌میشود ، در نیمه جنگل بطرف مغرب پیچ میخورد . پاسگاه فرماندهی در سر همین پیچ و در هر دو طرف جاده‌قرار دارد به‌علت وجود درختهای انبوه در آن نقطه ، جاده از هوا دیده نمیشود .

۸۲ـ همه غیر از مرکز تدارکات و بنه جنگی . اسمش را مرکز هنگی در عقب جبهه گذاشته اند ، محل آنرا نمیدانم .

۸۳ـ وقتی از هنگ ۶۲ خارج میشوم ، جاده اصلی را بطرف بویز ادامه میدهم .

۸۴ـ یك آتشبار توپخانه تقریبا در وسط این دو نقطه است .

۸۵ـ علامت روی جاده نشان میدهد که آن آتشبار یك هنگ توپخانه ۱۱۲ است . بنظرم هنگ تازه ای باید باشد . راجع به این قسمت چیزی نمیدانم ولی بنظر آقای سرگرد ولکه ، افسر عملیات هنگ ۶۲ ، آن واحد خوبیست . بطوریکه مشهود است ، شامل تمام قوا است، چون من مطمئن هستم که چهار توپ در آتشبار دیدم . بله ، مطمئن هستم که چهار توپ در آنجا بود . دو تا از آنها در طرف راست و دو در طرف چپ . تمام آنها پشت تپه و بوته های کوچکیکه از شمال بجنوب کشیده شده ، واقع شده اند .

۸۶ـ بنظرم در حدود ۵۰ تا ۶۰ یارد باید باشد . وقتیکه جاده را در نظر بگیریم جبهه آتشبار از ۲۵۰ تا ۳۰۰ یارد است .

۸۷ـ توپهای ۷۵ میلیمتری .

۸۸ـ تا آنجائیکه من اطلاع دارم ، چیزی در آنجا وجود ندارد .

۸۹ـ دژبانی همیشه اینجا هست . در یکی دو روز اخیر یك پست تدارکات در آنجا برقرار شده است . در هر حال راجع به آن چیزی نمیدانم .

۹۰ـ از یکی از دژبانها شنیدم .

۹۱ـ مریضخانه سیویل به بیمارستان نظامی تبدیل شده است . من فکر میکنم غیر از اینها چیزی نباشد .

۹۲ـ اول به چهار راه اصلی شهر رفتند و بعد دست چپ پیچیده به جاده ۱۷ میرویم . این راه تقریبا ۲ میل امتداد میابد تا به انشعاب راه برسیم .

۹۳ـ چیزی راجع به آن نمیدانم .

۹۴ـ انشعاب دست راست را میگیریم ، چون کوتاه تر است . در واقع عیب این جاده نزدیك بودنش به جبهه است . و از این جهت بود که دستگیر شدم . تقصیر من نیست چون این راهیست که سرهنگ فلیس گفت ، از آن بگذرم .

۹۵ـ جاده شوسه خوبیست .

۹۶ـ هیچوقت تانك در این جاده ندیده ام . ولی اثر چرخهای تانك را روی جاده دیده ام ، ولی نمیدانم کجا و کی .

۹۷ـ راجع بتانك چیزی نمیدانم ، فقط گفتم اثر چرخهای آنرا دیدم .

۹۸ـ این انشعاب دست راست به " هالفا " میرود .

۹۹ـ هیچ . تمام این ناحیه نشان میدهد که یك وقتی اردوگاه بزرگی بوده است ولی حالا هیچ ساختمانی در آن دیده نمیشود .

۱۰۰ـ در حدود یك دسته پیاده نظام و یك جفت توپ خودرو از هنگ ۶۲ . دیروز آنجا توقف کرده با آنها صحبت کردم . آنها گفتند که از هنگ ۶۲ هستند . توپهای خودکار ۸۰ میلیمتری بود . افراد پیاده از گروهان اول گردان اول بودند . این یك گردان ذخیره است .

۱۰۱ـ هیچ ، بوسیله آتش توپخانه و بمباران هوائی از بین رفته است .

۱۰۲ـ آنها روی خرابه های ساختمانهای قسمت غربی شهر هستند و مراقب راه مارتینیك میباشند . این نفرات برای حفظ آنها در مقابل سربازان شما میباشند .

۱۰۳ـ از شهر تقریبا نیم میل باید بگذریم . در این نقطه یك راهیست که بدست چپ یا شمال غربی میپیچد . این یك راه خاکی است که به " کنتی " میرود .

۱۰۴ـ هیچ .

۱۰۵ـ یك جفت است . اول یك پاسگاه است که از این چهار راه حفاظت میکند . تقریبا از یك جوخه گروهان اول گردان دوم تشکیل شده است . بوسیله تلفن با گردان دوم ارتباط مستقیم دارند .

۱۰۶ـ یك آتشبار هاویتزر آنجاست .

۱۰۷ـ صبر کنید ، من اشتباه کردم . این یك گردان است . فکر میکنم اولین گردان از هنگ هاویتزر ۱۵۷ است . کاملا مطمئن نیستم کدام گردان است . علامتی روی موضعشان نبود ولی مطمئن هستم بطوریکه نقشه محلی نشان میدهد بایستی این گردان اول باشد . راه به اندازه کافی نزدیك مواضع نیست که بتوان آنها را واضح دید . و این هاویتزرها خوب استتار شده اند .

۱۰۸ـ قسمت شرقی راه و خیال میکنم بطور متوسط ۴۰۰ یارد .

۱۰۹ـ خوب ، خیال میکنم این تنها نقطه ای در تمام راه است که در روی خط ـ الراس قرار گرفته است. بهتر از این که نمیتوانم این مواضع را شرح بدهم .

۱۱۰ـ نمیدانم ، تمام آنها خوب استتار شده اند .

۱۱۱ـ هیچ .

افسران رابط (هنگ)

قسمت پنجم

۱۱۲ـ پست فرماندهی در گردان ذخیره هنگ واقع است . ولی دسته ها همه با گردانهای مختلف که در جبهه موضع دارند ، وابستگی دارند .

۱۱۳ـ آن دسته را برای اینفعه نزد گروهان ارکان جنگی قرار داده اند .

۱۱٤ـ در اطراف جاده ایکه بعقب " کنتی " میرود ، واقع شده است .

۱۱۵ـ به مدا میرود .

۱۱٦ـ راستش را بخواهید ، تنها قرارگاهی را که من میدانم ، ستاد لشکر است .

۱۱۷ـ لشکر خود ما ، لشکر ۹ .

۱۱۸ـ نمیدانم ، همین حالا شنیدم که در این شهر است . رومانز بمن گفت ، من خودم هیچوقت آنجا نبوده ام .

۱۱۹ـ سرلشکر ، رافائیل سارلز ، فرمانده لشکر است .

۱۲۰ـ چیز زیادی راجع به سرلشکر نمیتوان گفت . مدت زیادی در ارتش بوده ـ است و خیال میکنم خیلی لایق است .

۱۲۱ـ سرتیپ " انتونی وگلیسن " . او هم خیلی خوب و شایسته است .

۱۲۲ـ فرماندهی ۳۰ ام با سرهنگ الفرد هنرویل است . او هفته گذشته به درجه سرهنگی ارتقاء یافت. فرمانده ۱۹ ام سرهنگ " هوت پنل " است . اسم اول او را نمیدانم ولی میدانم نفرات از او خیلی خوششان نمیاید .

۱۲۳ـ نمیدانم . ولی شنیده ام از وقتیکه آنها بطور فاحشی در چندی قبل شکست خوردند ، اختلافات زیادی بین آنها پیدا شده است .

۱۲٤ـ سرهنگ سولورزانو . اسم اول او را نمیدانم و اطلاعی هم راجع به او ندارم .

۱۲۵ـ نمیدانم . در توپخانه اخیرا تغییرات زیادی داده شده است . نمیدانم کی فرمانده آن واحدها است .

۱۲۶ـ نمیدانم ، وسایل نقلیه شان را در راه دیدم ولی از جایشان خبری ندارم .
۱۲۷ـ شنیدم آقای سروان رنو اظهار میداشت که در جنوب " مدا " قرار دارد .
۱۲۸ـ بطور یقین نمیدانم ، ولی محمولا با گروهان ستاد لشکر است .

افسران رابط (هنگ)

قسمت ششم

۱۲۹ـ عرض کنم ، ۵۴ و ۱۵۱ آنجا هستند . ۱۵۱ واحدیست که بزودی بجای هنگ ۶۲ خواهد ماند .
۱۳۰ـ این تعویض در شب بیست و یکم این ماه صورت خواهد گرفت .
۱۳۱ـ سرهنگ " زامورا " اگر تا بحال زنده مانده باشد .
۱۳۲ـ زامورا آدم خود رائی است . اگر میل داشته باشد که حمله کند ، یك بهانه ای برای آن درست میکند . فرمانده لشکر ، جرمینو " ، خوشش نمیاید ، به اینجهت همه منتظرند زامورا بزودی عوض شود .
۱۳۳ـ نه .
۱۳۴ـ سرهنگ رابرتو بوردو ، او کسی است که زندگیش را وقف سربازی کرده است .
۱۳۵ـ شخصا خبری ندارم ولی میتوانم بگویم که خیلی خوب هستند . چون بزودی لقب مفوزیلیر ، را دریافت خواهند کرد .
۱۳۶ـ تا آنجا که خبر دارم روح جنگجوئی آنها بپای نفرات هنگ ۲۶ نمیرسد و میتوانم بگویم که فعلا ضعیفترین هنگ در جبهه میباشند .
۱۳۷ـ راجع به توپخانه شان چیزی نمیدانم . بنظر میرسد که ۶۲ از پشتیبانی که دریافت داشته اند ، بسیار راضی هستند .
۱۳۸ـ تا بحال هر چه جانشین لازم داشتیم ، برای ما فرستاده اند . ولی شنیده ام این عمل در آتیه مشکل خواهد شد .
۱۳۹ـ رویهمرفته هیچکدام از هنگها بیشتر از ۱۰ یا ۱۲ در صد تلفات نداشته اند . جای آنها بوسیله جانشین ها پر شده است .

(تیرانداز مسلسل)

۱ـ دسته مسلسل سنگین، گروهان اول هنگ پیاده ٤ از لشکر گارد پیاده ۱ .

۲ـ ۲۲ سرباز و یك افسر .

۳ـ ۲ نفر داریم .

٤ـ یکی را مجبور شدیم برای تعمیر ، عقب بگذاریم .

٥ـ آنها ۷.٦۲ میلیمتری ، ۱۹٤۳م ، کوریوناو هستند .

٦ـ بله ، با نوار خوراك به آن میدهند . معمولا قطعات اتصالی فلزی دارد و بعضی اوقات نوار کرباسی استعمال میکنیم . ۲٥۰ فشنگ میگیرد . مسلسل با گاز باروت عمل میکند و با هوا سرد میشود . سرعت اولیه آن ۲٦۲۰ فوت در ثانیه و برد موثر آن از روی سطح زمین ۱۰۰۰ متر است . طول کلی آن تقریبا ٤٦ اینچ است. چون سنگین است ، سه پایه اونیورسال ۱۹۳۱ بکار میبریم . وزن مسلسل ۳۰ پوند و باسه پایه ۸۹ پوند است . سرعت تیراندازی با آن ۳۰۰ تا ٤۰۰ تیر در دقیقه است . قبضه یا دستگیره آن بشکل ٥ میباشد . و شکاف درجه آن برای فشنگهای سبك ۱۹۰۸ از صفر تا ۲۰۰۰ درجه و برای فشنگهای سنگین ۱۹۳۰ از صفر تا ۲۳۰۰ درجه مدرج شده است .

۷ـ فقط یك .

۸ـ ۸۲ میلیمتر .

۹ـ پنج .

۱۰ـ یك گروهبان و یك رئیس جوخه . توپچی که خود من هستم و یك سرباز کمك توپچی و دو نفر مامور حمل مهمات که هر دو سرباز ند .

۱۱ـ در یك سنگر بطول ٥ متر و عمق دو و نیم متر ، بشکل د با یك گودال مدور بطرف جنوب . مسلسل در این گودال مدور قرار گرفته است .

۱۲ـ درست پشت تیرهای چوبی که روی هم گذاشته شده اند ، قرار دارد . و یك گودال بعمق یك متر برای نفرات مسلسل . مسلسل طوری قرار گرفته است که از بین شکاف دو تیری که روی هم قرار گرفته اند ، میتوان تیراندازی کرد .

۱۳ـ همه ما و همچنین گروهبان یك مسلسل دستی کوچك داریم ، این مسلسل ۷,٦۲ میلیمتری از نوع پپس ـ ۱۹٤۳ میباشد .

۱۴ـ فرمانده دسته ، ستوان اورلاو ، آنرا انتخاب کرد . یك صفحه کاغذ داشت که به آن نگاه کرد و خیال میکنم آنرا از هنگ یا گردان دریافت کرده بود . بطور مسلم خیلی تشنگ بنظر میامد و مقدار زیادی سیم و نقطه و خطوط روی آن کشیده و نمره گردان ماهم روی یك دایره منقط ، در روی آن نوشته شده بود .

۱۵ـ دو کامیون گاز ۴×۲ ـ ۵۱ ، برای این دسته تعیین شده است و مورد استعمال نفرات چهاره انداز میباشد .

۱۶ـ نمیدانم .

۱۷ـ خیال میکنم ، نقطه تدارکات گردان .

۱۸ـ نمیدانم .

(مامورین بهداری)

قسمت اول

۱ـ دسته بهداری هنگ پیاده ۱۴۲ و لشکر پیاده ۳۰ .

۲ـ در جستجوی زخمی ها .

۳ـ ستوان کانزالس .

۴ـ رئیس قسمت دایره بهداری وابسته بگردان اول .

۵ـ گردان اول هنگ پیاده ۱۴۲ .

۶ـ گروهبان قسمت .

۷ـ یك افسر و شش سرباز .

۸ـ یك گروهبان قسمت و ۲ سرجوخه بهداری و سه سرباز بهداری .

۹ـ بقیه اعضاء مشغول جمع آوری زخمی های دیگر در طول جبهه بودند .

۱۰ـ ۱۲۰۰ متر در خاور نقطه دستگیری .

۱۱ـ گردان مرکز کمك بهداری .

۱۲ـ بمن گفته شده بود که از جاده خاکی بطرف باختر بروم تا به سرپیچ تند جاده برسم جاده در این نقطه بطرف جنوب غربی میرود ، ولی من باید از بیراهه بطرف مغرب میرفتم . بعد از عبور از دره بمن گفته بودند ، یك نهر در ۲۰۰ متری این پیچ هست . افراد زخمی در ۴۰۰ متری مغرب این نقطه بودند . زخمیها را پیدا نکردم ، چون افراد شما بمحض عبور از نهر مرا دستگیر کردند .

۱۳ـ آن آسان بود . گردان اول پاسگاه بهداری و پاسگاه فرماندهی گردان ۱ در چادرهای شمال جاده موضع گرفته اند . این راه از خاور بباختر از جلوی پاسگاه بهداری میگذرد .

۱٤ـ یادم هست که از دو پل عبور کردم .

۱۵ـ ۱۰۰ متر .

۱٦ـ امروز صبح هیچ خمپاره انداز یا توپی در مسیر خود ندیدم . در حقیقت هیچ چیزی ندیدم، چون وقتی بنهر آب رسیدم ، هوا هنوز تاریك بود .

۱۷ـ من صدای توپها را شنیدم ولی از نوع و محل آنها اطلاعی ندارم . صدای نفرات را در دره شنیدم ولی محل و تعدادشان را نمیدانم . صدای تانك هم نشنیدم .

۱۸ـ ٤ افسر و ۲٦ سرباز .

۱۹ـ یك سروان و سه ستوان و یك گروهبان دسته و ۸ سرجوخه و ٤ گروهبان قسمت و ۱۳ سرباز .

۲۰ـ آن سروان فرمانده دسته است . دسته بچهار قسمت تقسیم شده است . هر کدام از این قسمتها ئیکه بگردان فرستاده شده اند ، دارای یك ستوان یك گروهبان قسمت ، دو سرجوخه ، و ۳ سرباز است . سروان و گروهبان قسمت و یك سرباز ارکان دسته را در هنگ تشکیل میدهند . بقیه اعضاء ـیك گروهبان قسمت و ۲ سرجوخه و ۳ سرباز ، تشکیل پاسگاه بهداری هنگی را میدهند .

۲۱ـ نمیدانم در مدت یك هفته چند نفر زخمی شدند . ولی دیروز ۱٤ نفر به پایگاه آورده شدند .

۲۲ـ نمیدانم .

۲۳ـ مسلسل سبك ، تفنگ و کاربین .

۲٤ـ همه نوع توپ .

۲۵ـ پایگاه بهداری هنگ .

۲٦ـ مقدار درست آنرا نمیدانم ولی هیچوقت کم نداشتیم .

۲۷ـ نمیدانم .

۲۸ـ هیچ .

۲۹ـ یك صندوق پر .

۳۰ ـ تنزیب و پنبه .

۳۱ـ در بیمارستان صحرائی .

۳۲ـ نمیدانم ، تمام زخمیهایمانرا توسط مرکز بهداری هنگ ، تخلیه کردیم .

۳۳ـدر قریه " کولز " .

۳٤ـ در عمارت شهرداری واقعست .

۳۵ـ تمام آنها دیپلمه دانشکده طب هستند .

(مامورین بهداری)

قسمت دوم

۳٦ـ خیلی خوب .

۳۷ـ شغل من اینستکه از ناخوشی و زخمی نگهداری کنم .

۳۸ـ ۵۰ تا ۷۰ آمپول .

۳۹ـ معمولا ده بطری ، ولی ممکن است در مورد لزوم بیشتر حمل کنیم .

٤۰ـ ۱۰ تا .

٤۱ـ دو بطری هزارتائی .

٤۲ـ دو جعبه پنیسیلین داریم .

٤۳ـ ۹٦ بطری .

٤٤ـ ۳۰۰،۰۰۰ واحد .

٤۵ـ در حدود هشتاد بسته ـ ۵۰ بسته ۳ اینچی و ۳۰ بسته ۲ اینچی .

٤٦ـ ۱۰ تا ۱۵ کیلوگرم .

٤۷ـ ۲ جعبه داریم ـ هر جعبه ای شش بطری دارد و هر بطری ۱۰۰۰ سم آب دارد .

٤۸ـ شش تا .

٤۹ـ ۱۸ بند تسمه ـ ۳ بند تسمه برای هر تخت روانی .

۵۰ـ در حدود سی لوله .

۵۱ـ حدی ندارد .

۵۲ـ حدس میزنم انفلوانزا و ذات الجنب .

۵۳ـ نسبت دقیق آنرا نمیدانم . آنهائیرا که علائم ناخوشی دارند ، بعقب جبهه میفرستیم . مریضخانه ها و پستهای بهداری صحرائی معلوم میکنند که آیا ایشان آن مرض را دارند یا نه .

۵٤ـ تفاوت میکند . یادم میاید که یك وقت ۵۰ در صد گردان اول انفلوانزا داشتند . بیشتر مرضا را بمریضخانه صحرائی میفرستند و وقتی خوب شدند به واحد شان باز گشت میکنند .

۵۵ـ گردان یك ۱۵ نفر از دست داد و مجموع تلفات معلوم نیست .

۵٦ـ من تا بحال مریضی که برنشیت داشته باشد نداشتم .

۵۷ـ بنظرم سه نفر ـ این نفرات راهم بمریضخانه صحرائی فرستادند .

۵۸ـ بنظرم ۳۰ در صد نفرات سل و ذات الجنب دارند . وقتی فردی علائم این امراض را داشته باشد ، او را بمریضخانه مرکزی میفرستند .

۵۹ـ اسهال خونی .

٦۰ـ در حدود پنج در صد نفراتیکه اسهال خونی دارند ، بمریضخانه صحرائی فرستاده میشوند . آنهائیکه مرضشان خفیف است یا فقط اسهال دارند در پست ـ امدادی معالجه میشوند .

٦۱ـ هیچ .

٦۲ـ درحدود ٤۰ در صد آنها این مرض را داشته اند . این نفرات را بمریضخانه صحرائی یا مرکزی میفرستند .

٦۳ـ هیچ .

٦٤ـ هیچوقت مریضی که حصبه یا تیفوس داشته است ، نداشته ایم . چنین مرضی در لشکرمان اصلا شایع نبوده است .

٦۵ـ این زمستان ۵ نفر ، ولی زمستان قبل در حدود ۵۰ در صد افراد خفیفاً یا شدیداً سرمازدگی داشتند .

(امر بر)

۱ـ من راننده دایره امر بری و تقسیم پست ارتان گردان هستم .

۲ـ گاهگاهی سرگروهبان یا آجودان را اینطرف و آنطرف میبرم . ولی کار اصلیم توزیع پیغامهای مرکز امر بری در روز است . و اگر پیغام ضروری پیش بیاید آنرا میرسانم .

۳ـ همیشه با جیپ میروم . چون فاصله بین پاسگاههای فرماندهی معمولا زیاد است .

٤ـ بله ، بپاسگاه فرماندهی گروهان یا هنگ .

٥ـ تمام آنها پاسگاههای فرماندهی تاکتیکی هستند . فقط گاهگاهی بپاسگاه فرماندهی گردان ۲ در عقب جبهه میروم .

٦ـ معمولا روزی یك دفعه . گاهگاهی که خبرهای فوری از قبیل نقشه و یا راپرت اسیران جنگی هست ، دو سه مرتبه .

۷ـ آنهائیرا که برای گروهان میبرم ، معمولا برای فرمانده گروهان و یا سرگروهبان و آنهائیرا که برای هنگ میبرم ، معمولا به س۲ و س۳ و یا فرمانده هنگ .

۸ـ شبها گاهی نگاهبان یا تلفن چی هستم . رئیس قسمت ارتباطات ، طرز استعمال تلفن ـ رادیو را بمن یاد میداد که بعد ها در آن قسمت بتوانم کار کنم .

۹ـ بول داگ است .

۱۰ـ اسم رمزی هنگمان " بلاك اسنیك " و گردانهای (ا ، ب ، س و د) آن ، برلیانت ، برمودا ، بیکری ، باکسر و بامبل بی است .

۱۱ـ در نیمه راه جاده اصلی تدارکات و ساز و برگ و خط اصلی مقاومت ، در یك مسیل با سراشیبی تند .

۱۲ـ بله ، در حدود ۲۰۰ متر در شمال آن .

۱۳ـ در جاده اصلی بنه ، در حدود ۱۵۰۰ متر بطرف شمال و در طرف چپ جاده .

۱٤ـ در زمین های پست مشرق فرورفتگی ، در تپه موازی با جاده اصلی بنه قرار دارد .

۱٥ـ یك عمارت سنگی دهقانی است که خیلی مورد اصابت گلوله توپ قرار گرفته . استتاری در آنجا وجود ندارد ولی درختها خیلی نزدیك بعمارت هستند .

۱٦ـ بله ، دو پل در آنجا هست . یکی در حدود ٥۰ متر قبل از اینکه به جاده اصلی بنه برسید و دیگری درست قبل از اینکه به پاسگاه فرماندهی بپیچید .

۱۷ـ اولی پل قایقی است و دومی از پایه های بتونی ساخته شده و روی پایه ها را با تخته های چوبی پوشانده اند .

۱۸ـ یقین ندارم ، ولی میدانم که تانک نمیتواند از پل قایقی بگذرد ، چون تانکها را از گذرگاههای کنار آن میگذرانند . پل دیگر انقدر بزرگ است که هاویتزرهای ۱۸ اینچیها را از روی آن میگذرانیم . پس برای همه نوع وسایل نقلیه مناسبست .

۱۹ـ من هیچوقت در گل نمانده ام ولی (۶×۶)ها را بعضی اوقات باید از گل بیرون آورد . این معمولا نزدیک گردان اتفاق میفتد . در جاده اصلی بنه همیشه وضع مرتب است ، چه روزهای بارانی چه آفتابی .

(جوخه خمپاره انداز)

۱ـ گروهان یك ، گردان دو ، هنگ چهار پیاده و لشگر کارد یك .

۲ـ من خرج گذار هستم .

۳ـ من خرج گذار جوخه خمپاره انداز ۸۲ هستم .

٤ـ فرمانده جوخه گروهبان ، توپچی سرجوخه ، خرج گذار خود من هستم و دو سرباز دیگر که حامل گلوله هستند .

٥ـ یك افسر و ۲۲ سرباز .

٦ـ آنها اعضاء مسلسل سنگین هستند .

۷ـ لوله آن ٤۸ اینچ و بیخان است .

۸ـ یك سوزن ثابت دارد و خمپاره ها را از دم به ته لوله میندازند . بمحض اصابت بسوزن ته لوله ، بخارج پرتاب میشوند .

۹ـ در حدود ۱۸ تا ۲۰ تیر در دقیقه و برد آنها در حدود ۷۰ تا ۳۲۰۰ متر است.

۱۰ـ ۱۳٤ پوند .

۱۱ـ ٦ درجه در سمت و از ٤٥ تا ۸٥ درجه در ارتفاع .

۱۲ـ میشود آنرا به سه قسمت کرد که بوسیله نفرات حمل شود . در ضمن چرخهائی داریم که میتوانیم به آن وصل کنیم . بصفحه آهنی ، دوپایه و استوانه تقسیم میشود .

۱۳ـ در حدود ۷/۳ پوند .

۱٤ـ حالا دستگاه نشانه روی با دوربین داریم که از سربازان شما گرفتیم . نوع و ساخت آنرا نمیدانم .

۱٥ـ دور میگردد که ببیند محلمان خوب استتار شده است و یا اینکه امنیتمان رضایت بخش است .

۱٦ـ تا امروز صبح در اطراف گروهان بود . قرار بود فردا آنرا بجنوب محل تلاقی جاده ببرند .

۱۷ـ در حال حاضر در اطراف گروهان هستند ـ در نزدیك قسمت فرماندهی .

۱۸ـ تا بحال خوب بوده و غذای گرم بوده است . سیب زمینی ، نان و گوشت فراوان است .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت اول

۱ـ گروهبان اولک با ولدیچ بارتاو .

۲ـ دسته مسلسل ضد هواپیمای گروهان ضد تانک و ضد هواپیما .

۳ـ من درجه دار قسمت سیاسی مامور تبلیغات و تعلیمات سیاسی هستم .

٤ـ یک افسر و پانزده سرباز .

٥ـ یک قسمت ارکان و ۳ جوخه مسلسل ضد هوائی دارد .

٦ـ در قسمت ارکان ، یک ستوان فرمانده دسته ، یک گروهبان ـ گروهبان دسته ، یک گروهبان ـ مامور امور سیاسی و یک سرباز که امر بر دیده بانیست، داریم .

۷ـ هر یک از جوخه ها یک رئیس دارد با درجه گروهبانی ، یک توپچی ـ سرجوخه ، یک کمک توپچی ـ سرباز ، و یک حامل مهمات که او هم سرباز است .

۸ـ سه ، یکی در هر جوخه .

۹ـ مسلسل سنگین ۱۲/۷ میلیمتری (دسرچ ك، ۱۹۳۸ـم)است ، بافشار گاز کار میکند . خشاب نواری فشنگ دارد ، با هوا خنک میشود . سه پایه آن دو خاصیت دارد که ممکن است آنرا هم برای هدفهای زمینی و هم برای هدفهای هوائی بکار برد . در سه پایه مزبور چرخهای قابل انفصال هم تعبیه شده است .

۱۰ـ سرعت اولیه ۲۷۹۰ فوت در ثانیه است . برد عمودی موثر ٤۹٥۰ فوت است . برد موثر مستقیم افقی ۲۸۰۰ یارد . طول تمام توپ ٦۲/۳ اینچ ، وزن آن با سه پایه و سپر ۳٦۷/٤ پوند و سرعت تیراندازی عملی آن ۱۲٥ تیر در دقیقه، حرکت در سطح افقی ۳٦۰ درجه است .

۱۱ـ فقط یک کامیون زیس ٦×٦ ، ۱٥۱ـ س ی ز ، .

۱۲ـ رئیس دسته من و من با هفت تیر ت ، ت ، ۱۹۳۳ ـ م نیمه خودکار مسلح هستیم . امر بر دیده بانی با تفنگ و بقیه دسته مسلسل دستی دارند .

۱۳ـ تمام آنها ۷/٦۲ میلیمتری هستند .

۱٤ـ این اسلحه یک هفت تیر ۷/٦۲ میلیمتری ، ت ت ، ۱۹۳۳ ـ م به اسم توکار و ۲ است . این هفت تیر خشابی و با فنر ارتجاعی کار میکند . سرعت اولیه آن ۱۳۷۸ فوت در ثانیه و برد موثر ٥۰ یارد ، وزن آن با خشاب خالی ۱۰۸ پوند است . و و خشاب ۸ تیر میگیرد .

۱۵ـ این تفنگ " داسین نانت" ، مدل ۱۹۴۴ـ م نامیده میشود . این تفنگ دارای خشاب و گلنگدن است . سرعت اولیه آن ۲۶۵۰ فوت در ثانیه و برد موثر ۴۴۰ یارد و سرعت تیر در هر دقیقه ۸ تا ۱۰ تیر است . این اسلحه ۸۰۸۲ پوند با خشاب خالی وزن دارد . طول تمام آن ۴۰ اینچ و خشابش ۵ گلوله میگیرد .

۱۶ـ وقتی فشنگ در لوله و گلنگدن بسته است ـ قفل است ، اگر دکمه ضامن را تا آخر بکشیم و بطرف چپ تا انتها بچرخانیم .

۱۷ـ یك سر نیزه ای که تا میشود ، دارد که همیشه بلوله متصل است . وقتیکه اسلحه مورد استعمال نیست بسمت عقب و طرف راست تا میشود .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت دوم

۱۸ـ دسته اول گروهان خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری هنگ پیاده ۹۶ .

۱۹ـ من رئیس دسته هستم .

۲۰ـ از قسمت ارکان و دو دسته خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری تشکیل شده است .

۲۱ـ یك ستوان که رئیس دسته است . یك گروهبان که گروهبان دسته یك ، گروهبان امور سیاسی و یك سرباز ـ مامور امر بری دیده بانی .

۲۲ـ هر یك از دسته ها از یك گروهبان که رئیس دسته است ، یك سرجوخه که توپچی است ، یك سرباز که خرج گذار است ، یك سرباز حامل مهمات و سه سرباز مهمات آور تشکیل شده است .

۲۳ـ دو تا . یکی در هر جوخه .

۲۴ـ ۱۲۰ میلیمتری ، مدل ۱۹۳۸ ـ م .

۲۵ـ دارای سرعت اولیه ۸۹۰ فوت در ثانیه ، برد ۴۳۸ تا ۶۵۶۴ یارد . حرکت افقی ، بعلاوه یا منهای سه درجه . وزن موقع مسافرت ۱۰۸۱ پوند .

۲۶ـ گرچه اسلحه بزرگیست ولی چون وزن آن نسبتا کم است ، براحتی حمل میشود . یك ارابه دوچرخی که به آسانی بعقب اتومبیل وصل میشود برای حمل خمپاره انداز دارد . یك صفحه مدوری که آهنی ریخته روی آن قرار میگیرد ، دارد و اسلحه مزبور برای باربندی و حمل با حیوانات یا وسایل نقلیه بسه قسمت میشود .

و در [illegible] صندوق حمل اسلحه همراه دارد . تیراندازی بوسیله ماشه یا بوسیله انداختن خمپاره بداخل لوله صورت میگیرد .

۲۷ـ دو کامیون زیس ـ ۱۵۱ (۶×۶) .

۲۸ـ این کامیونها روباز و موتور آنها شش سیلندر ، بنزین مصرف میکند و با مایع خنك میشود . شش چرخ متصل بموتور دارند و برای حمل مهمات سنگین و همچنین حمل نفرات بکار میرود .

۲۹ـ فاصله بین دو چرخ ۱۶۵ اینچ و ظرفیت آن چهار تن و نیم است .

۳۰ـ مامور امور سیاسی و من هفت تیر داریم . گروهبان دسته و رئیس جوخه و مامور امر بری و دیده بانی تفنگ کوتاه دارند . خرج گذار و حامل مهمات مسلسل دستی و توپچی و مامور حمل مهمات ، تفنگ دارند .

۳۱ـ اسم تفنگها " توکارو " مدل ۱۹۴۰ ـم است . با فشار گاز کار میکند و خشابی و نیمه خودکار است . خزانه جعبه مانندی دارد که ۱۰ فشنگ میگیرد و فشنگ را از ته توی آن میگذارند . همچنین با قرار دادن دو خشاب پنج فشنگی میتوان آنرا خشابی کرد .

۳۲ـ سرعت اولیه ۲۷۲۰ فوت در ثانیه و برد موثر ۴۴۰ یارد است . با خزانه خالی ۸۰۶ پوند وزن دارد و طول آن ۴۸/۲ اینچ است . سرعت تیراندازی ۲۰ تا ۲۵ تیر در دقیقه است .

۳۳ـ دستگاه نشانه روی عبارتست از یك مگسك ثابت و شکاف درجه بشکل "د" که از ۱۰۰ تا ۱۵۰۰ متر مدرج شده است . تفنگ وقتی در ضامن است که ضامن آنرا جلو بزنید تا آنجائیکه از حرکت ماشه جلوگیری کند .

۳۴ـ گروهان یك قسمت ارکان و ۳ دسته خمپاره انداز دارد . تمام دسته ها مثل دسته من است .

۳۵ـ ۵ افسر و ۵۹ سرباز .

۳۶ـ لشکر ۹۱ گارد مکانیزه ـ لشکر ۷۷ تانك ـ لشکر ۲۵ پیاده نظام و لشکر ۵ توپخانه .

۳۷ـ فقط هنگ ۹۴۱ مهندسی .

۳۸ـ این هنگ مهندسی برای ساختن پلهای بزرگ است .

۳۹ـ هنگهای ۲۳، ۲۴ و ۲۵ موتوریزه ـ هنگ ۲۲۰ تانك متوسط هنگ هفتصد و بیست و یکم تانك سنگین توپخانه خودرو و لشکر توپخانه .

۴۰ـ شامل هنگهای ۱۰۱، ۷۰۶، ۷۰۸ تانك متوسط و هنگ توپخانه ۷۰۷ تانك سنگین خودرو و هنگ ۷ پیاده موتوریزه و توپخانه لشکر است .

۴۱ـ لشکر ۲۵ شامل هنگهای پیاده نظام ۸۱ و ۸۲ و ۸۴ و هنگ ۱۲۵ تانك خودرو و یك تیپ توپخانه است .

۴۲ـ من نمیدانم چه واحدهائی لشکر ۵ توپخانه را تشکیل میدهد ولی میدانم که علاوه بر واحدهائیکه جزو لشکر هستند، فرمانده لشکر ، توپخانه های سه لشکر دیگر را که عبارت از لشکر ۹۱ گارد مکانیزه و لشکر ۷۷ تانك و لشکر ۲۵ پیاده نظام است، تحت فرماندهی خود دارد . البته این فرماندهی فقط برای عملیات حاضر است .

۴۳ـ درباره لشکر توپخانه اطلاعات زیادی ندارم ولی میدانم که چند موشك انداز ۱۳۲ میلیمتری و چند توپ هاویتزر ۱۵۲ میلیمتری و چند توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری دارد .

۴۴ـ هر یك از هنگهای موتوریزه ، دو گردان پیاده نظام موتوریزه و یك گردان تانك متوسط و یك گردان توپخانه و یك گردان خمپاره انداز دارد . آنها همچنین یك گروهان اکتشاف ، یك آتشبار ضد هوائی ، یك گروهان مخابرات ، یك گروهان مهندسی و چند گروه فنی دارند .

۴۵ـ سه گردان تانك متوسط ، یك گردان پیاده نظام موتوریزه ، یك گروهان مسلسل ضد هوائی و چند گروه فنی دارد .

۴۶ـ دو گردان تانك سنگین ، یك گردان توپخانه خودرو ، یك گردان موتوریزه مسلسل سبك ، گروهان اکتشاف ، گروهان ضد هوائی و دسته مخابرات هستند .

۴۷ـ یك هنگ توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری و یك هنگ خمپاره انداز ۱۲۰ میلیمتری و یك گردان موشك انداز که با موشکهای ۱۳۲ میلیمتری مجهز است، دارد .

۴۸ـ تشکیلات آنها بر اساس مثلثی است با ۳ گروهان رزمی در هر کدام . پشتیبانی داخلی بوسیله یك گروهان مسلسل سنگین با ۶ مسلسل ۷/۶۲ میلیمتری و یك گروهان خمپاره انداز با ۶ خمپاره انداز ۸۲ میلیمتری و یك گروهان ضد تانك

مجهز با ٤ توپ ضد تانك ٥٧ میلیمتری صورت میگیرد . علاوه بر این یك دسته مخابرات و یك واحد کوچك طبی و فنی هستند .

٤٩ـ یك گروه ارکان گردان با یك تانك متوسط و دو گروهان تانك . هر گروهان تانك یك ارکان با یك تانك متوسط و ٣ دسته تانك با ٣ تانك متوسط در هر کدام دارد .

٥٠ـ تنها چیزی که من در باره گردان توپخانه میدانم اینستکه دوازده توپ ٧٦ م م دارد . نمیدانم تشکیلات آن چطور است .

٥١ـ نمیدانم آن هم چطور اداره میشود . تنها چیزیکه میدانم اینستکه ٦ خمپاره ـ انداز ١٢٠ میلیمتری و ١٢ خمپاره انداز ٨٢ میلیمتری دارد .

٥٢ـ تنها چیزیکه من در باره گروهان اکتشاف میدانم اینستکه بوسیله اتومبیلهای مسلح و اتومبیلهای سرباز بر حرکت میکنند .

٥٣ـ خوب ، من میدانم که نقش اولیه تاکتیکی لشگر موتوریزه ، تعقیب و استفاده از موفقیت دوشبدوش نیروی تانك است . این لشگر همچنین مستقلا توانائی حمله و شکاف آوردن بمواضع دفاعی ضعیف دشمنی که روحیه اش متزلزل شده است ، را دارد .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت چهارم

٥٤ـ بله ، ما چندین لشگر و چند سپاه سوار نظام داریم .

٥٥ـ سپاه سوار نظام تقریبا ١٩،٠٠٠ نفر دارد . این سپاه سه لشگر سوار نظام و اسلحه های قوی پشتیبانی که شامل سهم بزرگی از نیروی زره پوش و توپخانه خودرو میباشد و واحدهای وابسته بستاد و واحدهای فنی دارد .

٥٦ـ قوای آن شامل ٤٦٥٠ افسر و سرباز و ٤٠٠٠ اسب است .

٥٧ـ تشکیلات آن که مثلث شکل است ، شامل ٣ هنگ سوار نظام ، یك هنگ مختلط توپخانه سبك و خمپاره انداز سنگین و واحدهای کوچك اکتشاف ، مهندسی ، ضد هوائی و فنی است .

۵۸ـ لشکر سوار نظام طوری تشکیل شده است که میتواند بطور واحد جداگانه ای عمل کند و یا جزئی از سپاه قوی سوار نظام باشد . لشکر مزبور بطور قطع یك تشکیلات سوار نظام با اسب است و غیر از ستون مهمات و آذوقه از هیچگونه وسایل نقلیه ای استفاده نمیکند .

۵۹ـ هر هنگ ۱۱۴۰ افسر و نفر و ۱۱۸۰ اسب دارد .

۶۰ـ یك ستاد هنگ ، چهار گردان سوار نظام ، یك گردان مسلسل ، یك خمپاره ـ انداز ، یك آتشبار توپ هاویتزر و یك آتشبار ضد تانك و چند گروه فنی دارد .

۶۱ـ چهار توپ هاویتزر ۷۶ میلیمتری ، چهار توپ ضد تانك ۵۷ میلیمتری ۱۲ خمپاره انداز ۸۲ میلیمتری ، ۳ مسلسل ضد هوائی و ۱۶ مسلسل سنگین و ۴۳ مسلسل سبك دارد .

۶۲ـ ۱۱۵ کاری اسبی و ۳ کامیون دارد .

۶۳ـ تقریبا ۱۱،۰۰۰ افسر و سرباز .

۶۴ـ تقریبا از ۳ هنگ پیاده نظام تشکیل شده است .

۶۵ـ یك تیپ توپخانه با ۲۴ توپ ۷۶/۲ م م ، ۳۶ توپ هاویتزر ۱۲۲ میلیمتری و ۱۲ خمپاره انداز ۱۶۰ م م و هنگ مختلط ۵۲ تانك متوسط با توپهای ۸۵ م م و ۱۶ توپ خودرو صد م م و یك گردان ضد تانك با ۱۲ توپ ۸۵ م م ، یك گردان اکتشاف ، یك گردان مخابرات ، یك گردان مهندسی و یك گردان ضد هوائی همچنین یك گردان کوچك دفاع شیمیائی هم دارد .

۶۶ـ کارپردازی ستاد پشت جبهه بترتیب زیر طبقه بندی شده اند ، گردان بهداری ، یك گردان کامیون حمل و نقل ، یك واحد کارپردازی و تعمیرات و ۳ هواپیمای سبك رابط .

۶۷ـ هنگ دارای ۳ گروهان پیاده نظام ، توپخانه هنگ و دسته ضد هوائی و گروهان مخابرات و دسته مهندس و چند گروه فنی است .

۶۸ـ شامل یك گروهان ضد تانك با ۶ توپ ضد تانك ۵۷ م م ، یك گروهان خودرو توپخانه با ۶ توپ خودرو ۷۶ م م و یك گروهان خمپاره انداز با ۶ خمپاره ـ انداز ۱۲۰ میلیمتری است .

۶۹ـ هرکدام ۳ گروهان پیاده نظام و گروه های پشتیبان دارند .

۷۰ـ گروهان دارای ۳ دسته رزمی و یك دسته دوچك مسلسل است . هر یك از دسته های رزمی ۳۰ نفره به ۳ جوخه تقسیم شده و یك افسر و ۲ سرباز در دسته ارکان آن است .

(سازمان و ساز و برگ)

قسمت پنجم

۷۱ـ ستوان ایوان بوریس‌پاپو .

۷۲ـ گروهان اول پیاده نظام ، گردان سوم ، هنگ سوم ، لشکر پیاده نظام سوم .

۷۳ـ ٦ افسر و ۱۲۷ سرباز .

۷٤ـ گروهان یك قسمت ارکان با دو افسر و ٦ سرباز ، ۳ دسته پیاده نظام با یك افسر و سی و سه سرباز و دسته اسلحه سنگین با یك افسر و ۲۲ سرباز دارد .

۷۵ـ یك سروان که فرمانده گروهان است با ارشد ترین ستوان که افسر سیاسی است و یك گروهبان ارشد که گروهبان یکم است و یك گروهبان ارشد که گروهبان آشپزخانه است و گروهبان سوم که متصدی تدارکاتست، یك سرجوخه که ماشین ـ نویس و منشی است و دو سرباز که امربر هستند .

۷٦ـ بله .

۷۷ـ یك قسمت ارکان با یك افسر و ۳ سرباز و ۳ جوخه پیاده نظام با ده سرباز در هرجوخه ، دارد .

۷۸ـ یك ستوان که رئیس‌دسته است ، یك گروهبان ارشد که گروهبان امور سیاسی‌است یك گروهبان که گروهبان دسته است و یك سرباز که امربر و دیده بان است .

۷۹ـ جوخه پیاده نظام همه یك طور هستند . در هر یك از آنها یك گروهبان که رئیس جوخه است ، دو سرجوخه که تیرانداز مسلسل سبك اند ، دو سرباز معاون تیرانداز مسلسل سبکند و پنج سرباز تیرانداز تفنگ هستند .

۸۰ـ دسته اسلحه سنگین شامل ارکان دسته ، ۳ جوخه مسلسل سنگین و یك جوخه خمپاره انداز است .

۸۱ـ شامل یك ستوان رئیس‌دسته، یك گروهبان ارشد که گروهبان دسته است و گروهبان سوم که گروهبان سیاسی میباشد .

۸۲ـ هر یك از جوخه های مسلسل سنگین ـ یك گروهبان که رئیس جوخه است ، یك سرجوخه که تیر انداز مسلسل است ، یك سرباز معاون تیرانداز مسلسل و دو سرباز حامل مهمات دارد .

۸۳ـ یك گروهبان که رئیس جوخه است ، یك سرجوخه که تیر انداز مسلسل است ، یك سرباز خرج گذار و دو سرباز حامل مهمات .

۸٤ـ من رئیس دسته اسلحه سنگین بودم .

۸۵ـ یکی در هر جوخه .

۸٦ـ آن مسلسل سنگین ۷/٦۲ م م ، گوریانو ، ۱۹٤۳ـ م است . این مسلسل بوسیله گاز باروت کار میکند و بوسیله هوا خنك میشود . سرعت اولیه آن ۲٦۲۰ فوت در ثانیه است . برد موثر افقی ۱۱۰۰ یارد و برد موثر ضد هوائی ۱٦۵۰ فوت است و طول سر تا سر آن ٤٦ اینچ و تیر اندازی عملی آن بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ تیر در دقیقه است .

۸۷ـ وزن مسلسل تقریبا ٦۰ پوند و وزن سه پایه آن تقریبا ۳۰ پوند است .

۸۸ـ این یك نوع سه پایه اصلاح شده ۱۹۳۱ـ م یونیورسال است که به آسانی تبدیل به سه پایه ضد هوائی میشود .

۸۹ـ مسلسل مزبور میتواند هم نوار کرباسی ۲۵۰ فشنگی ۱۹۱۰ـ م و هم نوارهای فلزی ۵۰ فشنگی استعمال کند . نوار فلزی مزبور را ممکن است با بهم وصل کردن قطعات پنج فشنگی بیك نوار فلزی ۲۵۰ فشنگی تبدیل کرد ـ هر نوع از فشنگهای تفنگ ۷/٦۲ م م روسی را ممکن است در این مسلسل استعمال کرد .

۹۰ـ قبضه هائی بشکل " د " و صفحه آهنی عقب فنر ارتجاع بکار برده میشود .

(رئیس کشتی)

۱ـ گروهبان دیمیتری ایوانویچ سودلو .

۲ـ جوخه اول ، دسته اول ، گروهان اول پیاده هنگ چهارم پیاده و لشکر کارد پیاده شماره یك .

۳ـ فرمانده جوخه یك .

٤ـ یك فرمانده جوخه که خود من هستم ، خدمه یك مسلسل سبك که عبارت از یك سر ـ جوخه و یك سرباز و یك سرباز کمین نشین و ٥ سرباز پیاده .

٥ـ من یك تفنگ با خودم حمل میکنم ، سربازان پیاده و کمین نشین ها هم تفنگ دارند ، تیراندازان مسلسل سبك هم مسلسل سبك دارند .

٦ـ تفنگ نیم خودکار ۷/٦۲ م م ، ۱۹٤۰ـ م توکارو .

۷ـ خزانه ای یا خشابیست، ۱۰ فشنگ میگیرد ، سرعت اولیه آن ۲۷۲۰ فوت در ثانیه برد موثر ٤۰۷ متر و طول تمام آن خیال میکنم ٤۸ اینچ باشد . وزن آن ۸/٥ پوند است . ممکن است با آن ۲۰ تیر در دقیقه تیراندازی شود .

۸ـ چیزیکه راجع به آن میدانم اینست که پ پ س ـ ۱۹٤۳ است و همان نوع فشنگی که ما مصرف میکنیم ، بکار میبرد .

۹ـ بمن دستور داده شده بود که محل سیم خاردار ، موضع مسلسلها و خمپاره انداز ـ ها و حالت افراد پیاده نظام شما را در نواحی خودمان بازرسی و پیدا کنم . گفته بودند چون جوخه من بهترین جوخه ها است ، این ماموریت بما داده شده و این اطلاعات را برای حمله لازم داشتند .

۱۰ـ از سراشیبی پر درخت آن تپه پائین آمدیم . پس از حرکت از شمال باختری و عبور از توی جنگل ، در پانصد متری آن تپه به این دره باز رسیدیم . خیال ـ میکنم جنگل در حدود ۲ کیلومتر عرض دارد . از یك جاده اسفالته که از شمال بجنوب کشیده شده است ، داخل جنگل شدیم . مبدا حرکت ٥۰۰ متر در شمال تقاطع جاده ها در امتداد شمال این جاده در جنگل بود . این جاده ها در محل تقاطع اسفالت شده اند .

۱۲ـ در محل تقاطع جاده ، دو مسلسل سنگین دیدم .

۱۳ـ مسلسل های سنگین قسمت اسلحه سنگین ما بودند .

۱٤ـ تمام جوخه مسلسل ـ ۵ سرباز .

۱۵ـ در چاله هائی رو بجنوب موضع گرفته اند . مقصودم اینست که یکی از آنها اینطور است و دیگری اینطور نیست .

۱٦ـ یکی از آنها در گوشه شمال شرقی ، در کنار جنگل و در ده متری تقاطع جاده ها واقع شده است . دیگری در گوشه شمال غربی و در ۵ متری تقاطع جاده ها جلوی یك سنگ بزرگی که مقداری تیر چوبی جلوی آن است ، واقع شده است .

۱۷ـ چیز دیگری ندیدم .

۱۸ـ استالین و مالنکف .

۱۹ـ هر راهی را خیال میکردم خوب است غیر از راهی که آمدیم .

۲۰ـ خیال میکنم اسمش سروان تیومنکو است . فرمانده گروهان ما سروان کورلاف گفت که افسر اطلاعات گردان است .

۲۱ـ نمیدانم . اینطور شنیدم که سرگروهبان ما میگفت در شمال پست فرماندهی ما و در شمال راه اسفالته بود .

(کشتی)

۱ـ پتروف درمسکی و من سربازم .

۲ـ من در جوخه یك ، دسته یك گروهان یك پیاده گردان ۲ و هنگ ٤ پیاده نظام .

۳ـ تیرانداز تفنگ هستم .

٤ـ کشاورز بودم . در یك مزرعه دسته جمعی کار میکردم .

۵ـ در حدود چهار سال در شهر " رهنی " بمدرسه رفتم .

٦ـ از پست پاسگاه فرماندهی گروهان . در ساعت ۵ امروز صبح .

۷ـ شمال اینجا .

۸ـ [illegible]

۹ـ میدانم در شمال اینجاست ، برای اینکه در شمال محل تقاطع جاده ایست که قبل از دستگیر شدن ، از آنجا بطرف جنوب آمدیم .

۱۰ـ باید در حدود ٤۰۰ قدم در شمال باشد . میدانم در جنگلی خارج جاده اسفالته است .

۱۱ـ شمردم . چون فکر میکردم اینجا مزرعه خوبی برایم میتوانست باشد .

۱۲ـ اسلحه ما مثل اسلحه گروهبانها ست . یك تفنگ نیمه خودکار ۷/۶۲ م م است . روی تفنگ من نوشته است "توکارو" ولی من با چاقو کلمه الکا را روی قنداق آن کنده ام .

۱۳ـ راجع به آن چیزی نمیدانم . فقط میدانم خشابی دارد که ده فشنگ در آن جا میگیرد و وزن تفنگ هم هشت پوند و نیم است .

۱۴ـ بگذارید ببینم، یك گروهبان ، دو تیرانداز مسلسل سبك ، یك کمین نشین و پنج تیرانداز تفنگ . این چند نفر شد ؟

۱۵ـ درست نمیدانم . گروهبان یکم میگفت سه دسته پیاده و یك دسته اسلحه سنگین داریم . او بما میگفت زیاد فکر دسته های دیگر پیاده را نکنیم ، چون آنها هم عینا مثل دسته های خودمانند .

۱۶ـ مسلسلهای سنگینمانرا دیدم .

۱۷ـ درست نزدیك محل تقاطع جاده ، در جنوب پاسگاه فرماندهی گروهان .

۱۸ـ اول در حدود یك کیلومتر بجنوب رفتیم ، بعد داخل یك جنگلی شدیم . از میان جنگل گذشته بطرف جنوب شرقی حرکت کردیم . بعد بیك دره باز رسیدیم و از آن پائین رفتیم تا رسیدیم به یك تپه . میخواستم از آن تپه بالا بروم و مواضع شما را ببینم که دستگیرم کردید .

۱۹ـ سروان گورلف .

۲۰ـ گروهبان میگفت اسمش سروان تومنکو است . شنیدم میگفت مارا برای این انتخاب کردند که بهترین جوخه هستیم و برای حمله ای که فردا خواهند کرد خیلی بدرد خواهیم خورد .

۲۱ـ نمیدانم . شنیدم قرار بود امشب خمپاره اندازهایمان را بطرف جنوب محل تقاطع جاده حرکت بدهند و مسلسل هایمانرا هم صد متر جلوتر ببرند . این حرفرا توپچی بمن زد . ما باهم همشاگردی بودیم . اسمش سرجوخه پاپو است .

۲۲ـ یك گروهبان ، یك توپچی ، سرجوخه دوست من، یك خرج گذار ، یك مامور حمل مهمات، فکر میکنم همه سربازند .

۲۳ـ آنها جزو گروهان ما هستند .

۲٤ـ هیچ علائمی در بین نبود ولی اگر پاسدار بما میگفت ، استالین ما باید میگفتیم مالنکف .

(مامور رادیو)

۱ـ من در مرکز هدایت آتش گروهان مامور رادیو بودم .

۲ـ در پای تپه ٤۷۷ ، در طرف جنوب بود .

۳ـ بله ، چون سیمها همه قطع شده بودند ، ناچار فقط از رادیو استفاده میکردیم .

٤ـ سه تا ، یکی در حوزه هر گردان پیاده .

٥ـ البته ، و واقعا بشدت تیراندازی میکردند .

٦ـ هر کدام چهار لوله توپ داشتند ، به استثنای دسته ۳ که یک گلوله در لوله توپش منفجر شد و یک لوله و چهار تا از نفراتش را از دست داد .

۷ـ هیچکدام از پیغامهایمانرا بجز مختصات جغرافیائی برمز نمیفرستادیم .

۸ـ سه روز یک مرتبه . مگر اینکه بفهمیم که شما آنرا کشف کرده اید ، یا تغییر کند .

۹ـ در ساعت ٥ امروز صبح . نمیدانم رمز تازه چه خواهد بود .

۱۰ـ رادیو (ا ن / ۱۰ـپ ر س) بود . البته نمیتوان گفت که بهترین رادیو است .

۱۱ـ از نوع (ف م) است ولی صدایش در داخل تپه ها زیاد واضح نیست .

۱۲ـ درست نزدیک پاسگاه فرماندهی هنگ . در حدود ۱۰۰۰ متر در عقب مرکز هدایت آتش .

۱۳ـ ما ده تا از آنها به اضافه یک (ا ن / ۷ـگ ر ث) و یک (ا ن / ۹ـگ ر س) داریم .

۱٤ـ هیچوقت در هیچ یک از آن مواضع نبوده ام . ولی میدانم همه آنها پای تپه ، پشت خط اصلی مقاومت هنگ واقع شده اند . فرمانده میگفت آنها انقدر نزدیکند که دشمن در صورت اطلاع میتوانست با توپ ٦۰ مم هم ما را بزند .

۱٥ـ ما شبکه مضاعف داریم . رشته های سیم تلفن که بطور مستقیم بمحل دیده بانی مقدم میرود و همچنین رشته هائی بگردان پیاده متصل است . برای اینکه افرادیکه اسلحه سنگین استعمال میکنند ، بتوانند تقاضای آتش بکنند . در خیلی از موارد دیده بانهای مقدم ما یک سیم فرعی بگردانیکه به آنها کمک میکنند ، دارند .

۱۶ـ غیر از فسفر سفید ، تقریبا تمام مهمات ما تمام شده بود . بخاطر دارم که افسر توپچی میگفت که فقط در دسته یك ، مواد شدیدالانفجار و فشنگهای تولید نور باقی مانده است .

۱۷ـ برد آن به ۶۰۰۰ یارد تخمین زده شده ، ولی فرمانده میگفت به هدفی دورتر از ۵۵۰۰ یارد تیراندازی نکنیم ، مگر اینکه توپخانه نتواند به آن تیراندازی کند . تمرکز گلوله در مسافت زیاد ممکن نیست .

۱۸ـ هر وقت تماس بصری داشته باشیم تا مسافت ۲ میل ، هوا تاثیری ندارد ولی اگر تپه یا عوارض طبیعی دیگری بین گیرنده و فرستنده باشد ما تماس را تا خاتمه طوفان از دست میدهیم .

۱۹ـ یك واحد توپخانه دور زن ۱۵۵ که نباید خیلی دور از پاسگاه فرماندهی هنگ باشد و حدس میزنم در حدود یك آتشبار باشد . غیر از این چیزی ندیده ام . گردان توپخانه صحرائی ۱ باید در این نزدیکیها باشد . چون همیشه گردان پشتیبانی مستقیم ما بوده اند . خیال میکنم واحد ۱۵۵ بطور کلی از لشگر و حتی از سپاه پشتیبانی میکند .

(اکتشاف)

۱ـ ماموریتم این بود که معلوم کنم ، جاده ها برای عبور تانکها مناسب هستند یا نه .

۲ـ گروهان تانکهای متوسط .

۳ـ فرمانده تانك هستم .

۴ـ چهارده افسر و ۶۵ سرباز .

۵ـ یازده تانك .

۶ـ گروهان تانك متوسط ، دارای یك دایره فرماندهی با دو تانك ، یك دایره مرمت و سه دسته است که هر یك دارای سه تانك میباشند .

۷ـ امروز صبح از دهکده " گانتز " بطرف شمال در جاده "متز" حرکت کردم تا به محل تقاطع جاده های متز و براتز رسیدم . بعداز آنجا متوجه مشرق شده و وارد جاده براتز شدم .

۸ـ سه تانك .

۹ـ فکر میکنم بطرف خطوط خودمان برگشتند .

۱۰ـ بله .

۱۱ـ وضعیت راه خوب بود . تانکها بدون اشکال میتوانند در جاده های شوسه هموار حرکت کنند . عرض این جاده ها ۱۵ متر بود .

۱۲ـ وضع پل خوب بود . دو تانك پهلو بپهلو و بدون زحمت از روی آن عبور کردند .

۱۳ـ هیچ .

۱٤ـ هیچ کسی را ندیدم .

۱۵ـ ممکن است غریب بنظرتان بیاید ولی در آن نزدیکی ما تنها کسانی بودیم که مشغول فعالیت بودیم .

۱٦ـ راه اسفالته است ، چند دست انداز در راه بود ، ولی تانکها بدون زحمت در آن حرکت میکردند .

۱۷ـ ما روی پل نرفتیم ، برای اینکه پل خراب شده بود .

۱۸ـ یك گذاری در ۵۰ متری شمال پل که مناسب برای عبور تانکها بود ، پیدا کردیم . ما از این گذار استفاده کرده ، بعد از گذشتن از رود بجاده برگشتیم .

۱۹ـ تقریبا ۱۰ متر .

۲۰ـ ما از پل دیگری نگذشتیم . فکر میکنم سابقا پل چوبی در آن نقطه واقع شده بود ولی ظاهرا ویران شده است .

۲۱ـ ما پی پل گشتیم ولی پلی پیدا نکردیم ـ لذا مجبور شدیم پلی را که در ٤۰۰ متری جنوب جاده واقع و خط آهنی از روی آن میگذرد ، بررسی کنیم . اینطور نتیجه گرفتیم که پل خط آهن برای عبور یك تانك در هر دفعه استقامت دارد . ولی یك ساعت و نیم طول کشید که سه تانکمان از روی این پل بگذرد .

۲۲ـ موقعیکه داخل خطوط شما شده بودیم هیچ چیزی مشاهده نکردیم تا اینکه در محل اسارتمان مورد شلیك نفرات شما قرار گرفتیم .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت اول

۱ـ اسمم " ویلیام ا . جکسن " و سرباز یکم هستم . نمره ترتیبیم ۳۹۰۴۵۹۹۹ است .

۲ـ از هنگ ٦٦٦ لشکر ۹۹۹ هستم .

۳ـ در گروهان الف از گردان یکم .

٤ـ یك پیاده معمولی هستم .

۵ـ در جوخه سوم از دسته سوم .

٦ـ سه جوخه .

۷ـ حد اکثر نفرات جوخه ما ۹ نفر است . سلاحهای آن عبارتند از تفنگ ۳۰ کالیبری و مسلسلهای دستی ۳۰ کالیبری . همه نفرات جوخه به استثنای دو نفر که دارای مسلسل دستی هستند ، تفنگ دارند .

۸ـ در آنموقع دارای حد اکثر نفراتش بود .

۹ـ بله ، یك جوخه اسلحه داشتیم که دارای دو مسلسل سبك بود .

۱۰ـ بله ، آنها تنها اسلحه های اجتماعی جوخه بود .

۱۱ـ اینطور فکر میکنم .

۱۲ـ بازوکا به ارکان فرماندهی دسته منتقل شده است .

۱۳ـ باید حساب کنم . یك گروهبان دسته ، یك کمك گروهبان دسته ، دو امربر ، یك دسته چهار نفری موشك انداز و فرمانده دسته که یك ستوان است . دسته یك کمك پزشك هم دارد .

۱٤ـ نه ، ستوان دیروز در اثر اصابت گلوله کشته شد و یکی از افراد تازه وارد دسته بازوکا در اثر عقب زدن آتش بازوکا سوختگی پیدا کرد و بعقب جبهه منتقل گردید .

۱۵ـ سه دسته پیاده و یك دسته اسلحه سنگین .

۱٦ـ آنها یك قسمت خمپاره انداز و یك قسمت تفنگهای عقب نزن داشتند .

۱۷ـ بله ، تفنگهای ۵۷ میلیستری .

۱۸ـ سابقا سه خمپاره انداز و سه تفنگ عقب نزن موجود بود ولی حالا نمیدانم چند تا موجود است .

۱۹ـ بطور قطع نمیدانم، ولی شنیدم آنها صحبت از دسته دفتر فرماندهی میکردند بنابراین فکر میکنم ، نفرات آنها در حدود ٤٠ نفر باشد .

۲۰ـ تنها سلاحهائی که من از آن اطلاع دارم ، مسلسل سنگین ٥٠ کالیبری و یك باز وکاست . حدس میزنم گروهبان یکم و آشپزها آنها را در موقع ضرورت بکار میبرند .

۲۱ـ گروه ارتباطات ، راننده ها ، مصدر سرهنگ و یك منشی گروهان .

۲۲ـ شنیدم رئیس ارکان میگفت ، ۲۰۰ سرنیزه برای سربازهای دشمن حاضر داریم . این قریب دو هفته پیش بود .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت دوم

۲۳ـ ما رادیو های مدل ٥٣٦ و مدل ۳۰۰ و تلفن داشتیم .

۲٤ـ یك تلفن مخصوص و یك رادیوی مدل ٥٣٦ داشتیم .

۲٥ـ آنها دست کم یك ، شاید هم دو تا تلفن ۸ ی ی و یك یا دو تا رادیوی مدل ۳۰۰ـ ر سی س داشتند .

۲٦ـ تا آنجائیکه اطلاع دارم ، نه .

۲۷ـ خیلی کوچك و عبارت بود از تکمه هائیکه در موقع رسیدن پیغام روشن میشدند اسم آنها را نمیدانم .

۲۸ـ ما یك کامیون آشپزخانه (٦×٦) و سه چهار جیپ داشتیم . فکر میکنم هر یك از جیپها یك اطاقك داشت .

۲۹ـ کامیون آشپزخانه دو تن و نیمی و جیپ ها یك چهارم تنی بودند .

۳۰ـ بله، دو تا از آنها در دسته اسلحه سنگین بودند و بقیه برای ارسال مهمات به دسته های پیاده و انتقال زخمیها بکار برده میشدند ولی هیچ یك از دسته های پیاده دارای وسایل نقلیه همیشگی مخصوص بخود نبودند .

۳۱ـ بله ، سابقا داشت ولی برای تعمیر به اداره ساز و برگ جنگی فرستاده شد . از گروهبان دسته شنیدم که میگفت ، حالا که افسر فرمانده باید هر روز مسافتی پیاده روی کند ، مقداری پیه هایش آب خواهد شد .

۳۲ـ سروان اسمیت .

۳۳ـ ما فکر میکردیم که او آدم نسبتا با هوشی بود و همیشه با نفراتش بخوبی رفتار میکرد ولی قدری تنبل بود . میگذاشت رئیس ارکان کارهای اکتشافی را انجام بدهد . یا کارهای گشتی را بعهده او میگذاشت .

۳٤ـ اسمش ستوان " میلر " بود . آدمی واقعا حسابی است .

۳۵ـ همه را بجز فرمانده دسته ای که من در آن بودم .

۳٦ـ ستوان مارتینز فرمانده دسته یکم بود ، ستوان " انیل " فرمانده دسته چهارم . فرمانده دسته دوم نمیدانم کی بود ـ یك افسر تازه ای که مستقیما از مرکز نیروی تعویض و کمکی فرستاده شده بود .

۳۷ـ سرهنگ " ژرژ " فرمانده هنگ و سرلشگر ویلسن فرمانده لشگر بود . اسم فرمانده گردان یادم نیست ـ سرهنگ دوم تازه واردی بود .

۳۸ـ بیشتر وقتها خیلی خوب بود .

۳۹ـ ماه پیش برای مدت یکی دو هفته ، موقعیکه خوراك کافی در گروهان نداشتیم ، همه کم و بیش ناراضی شده بودند . بعلاوه موقعیکه سرما شروع شد و ما هیچ پوتین زمستانی نداشتیم ، اوقات همه مان تلخ شده بود ولی بالاخره رسید .

٤۰ـ نه ، چندان بد نبود تا اینکه دیروز ظهر توپخانه شما قریب شش هفت نفر را زخمی کرد . گلوله های ۱۰۵ تان دیروز بعضی از سربازان ما را که در سنگر نبودند ، غافلگیر کرد .

٤۱ـ در حدود ساعت چهار و نیم بعداز ظهر ، درست موقعی که غذا حاضر شده بود .

٤۲ـ بغیر از دسته پیش قراول که غذایش عبارت از غذای جیره بود ، همه ما سه مرتبه در روز و تقریبا هر روز خوراك گرم داشتیم .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت سوم

٤۳ـ آنها در موضع جوخه در خط اصلی مقاومت مستقر بودند .

٤٤ـ بله ، و نفرات جوخه من در طرف چپ خط بودند .

٤۵ـ یادم است یك مسلسل سبك در محوطه جوخه دوم و یك موشك انداز ۳/۵ م م در جوخه ۱ نزدیك جاده دیدم .

٤٦ـ دسته یکم طرف چپ ما و دسته دوم قریب ۳۰۰ متر جلوی خط اصلی مقاومت در محل پاسداری قرار داشتند . فکر میکنم دسته اسلحه سنگین میان دستجات دیگر تقسیم شده بود .

٤٧ـ در حدود ۳۵۰ متر .

٤٨ـ گردان سوم طرف راست دسته من و گروهان ث ، طرف چپ گروهان ما قرار داشت .

٤٩ـ فکر میکنم قسمت دیگر لشکر طرف چپ گروهان ث بود . شنیدم که واحد ۸۸۸ چتر باز در آنجا موضع گرفته بودند .

۵۰ـ نه ، آن قسمت تا چند روز قبل بکلی بروی دشمن باز بود .

۵۱ـ میدانم که گروهان " بیکر " در خط جبهه نبود . گروهان " داگ " یك قسمت آتشبار سنگین در سمت چپ ما داشت . تمام اسلحه هائی که دیدم اینها بودند .

۵۲ـ نه ، هیچ چیز نشنیدم . بما گفتند یك قسمت دیگری ابتکار عملیات را برای مدتی در دست خواهد گرفت . لشکر ما در نظر داشت صبر کند که اگر واحدهای شما تصمیم بحمله گرفتند ، حسابشانرا برسد .

۵۳ـ البته .

٥٤ـ در جلو خط اصلی مقاومت سیم خاردار دوپشته بود ـ سه نرده محکم . من اینرا میدانم چونکه دیشب موقعیکه گشتیهای شما مرا اسیر کردند ، مشغول تعمیر آن بودم .

۵۵ـ در حدود ۵۰ یارد .

۵٦ـ ما همیشه از راهی که از جایگاه دسته ما گذشته و بطرف راست محل پاسداری میپیچد ، عبور میکردیم . از هیچ راه بیخطر دیگری که از خط اصلی مقاومت بطرف جلو بگذرد ، اطلاعی ندارم .

۵۷ـ بله ، یك ردیف سیم خاردار طولانی و یك گودالی هم آنطرف سیم خاردار در سمت طرف راست محل پاسداری وجود دارد .

۵۸ـ فکر میکنم چند اخگر آنجا بود ولی مطمئن نیستم .

۵۹ـ بله ، کاملا زیر هدف قرار گرفته بود . دو مسلسل سنگین ۰/۳ کالیبری ، بازوکا ، مسلسل سبك و یك دیده بان مقدم از قسمت ٦۰ همه آنرا زیر هدف و

تحت نظر داشتند . حتی تانکهای ۴۸ـم هم نمیتوانستند از آن جاده بگذرند .

۶۰ـ بالای تپه ای که پشت سر ماست و سر راه پاسداری گروهان .

۶۱ـ درست سر تپه ای که پشت سر دسته ما بود ، قرار داشت و بقدری خوب استتار شده بود که اگر در چند قدمی آن نبودید ، نمیتوانستید آنرا ببینید .

۶۲ـ هیچ اطلاعی راجع به آن ندارم .

۶۳ـ محل خمپاره اندازها در آتشبار پشت تپه و نزدیك محل فرماندهی گروهان بود . آشپزخانه مان هم در آنجا بود .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت چهارم

۶۴ـ بله ، جزوی از خط مقاومت پاسداریست .

۶۵ـ سابقا یك تفنگ ۷۵ م م موجود بود ، ولی نمیدانم که هنوز هم آنجا هست یا نه . دسته من یك هفته پیش از محل دیده بانی خارج شد .

۶۶ـ بله ، متعلق بگروهان "د" است .

۶۷ـ بله ، یك دیده بان مقدم ـ ۸۱ م م در سر برجستگی ، طرف راست قرار داشت .

۶۸ـ بله ، ولی او میتواند از توپخانه و خمپاره اندازهای ۴/۲ اینچی تقاضای آتش کند .

۶۹ـ حلقه هائی از سیم خاردار نوع حلقوی بشکل اهرام در اطراف تپه تعبیه شده بود . بعلاوه گیره هائی به آن وصل شده بود که اگر کسی به آن دست میزد ، گیره رها شده و موشك اخطار روشن میشد .

۷۰ـ نه کاملا دور آن نبود ولی از پای تپه تا مانعی که در سر راه گذاشته شده ، در طرف مشرق و تا تپه دیگر در طرف غرب ، مین گذاری شده است .

۷۱ـ نه ، یك خمپاره انداز ۶۰ میلیمتری روی آن نشانه رفته بود . روزی که من وارد آنجا شدم ، این محل زیر آتش خمپاره قرار گرفت و همه ما مجبور شدیم از سنگر ـ هایمان بحال درازکش بیفتیم که مورد اصابت پاره های خمپاره قرار نگیریم .

۷۲ـ شکافهائی در آنها داشتیم که بوسیله آنها میتوانستیم بدون خارج شدن از سنگر ـ ها تیراندازی کنیم ـ ولی مواضع جنگی اصلی عبارت از سنگری بود که دایره وار بدور خط الراس نظامی تپه کشیده شده بود . دورتا دور دیوار مستحکمی داشتیم که از همه طرف محفوظ بودیم .

۷۳ـ نه ، همه گشتیها از خط اصلی مقاومت یا از واحدهای احتیاط آمده بودند .

۷٤ـ تنها راهی که من میدانم راهی بود که بطرف پائین جاده میرفت و از آنجا بطرف مغرب ، بین میدان مین گذاری شده و دیده گاه میپیچید .

۷۵ـ تقریبا چهار پنج نفر .

۷٦ـ من هیچوقت برای دیده بانی نرفتم ، برای اینکه سخت سرفه میکردم و ستوان میگفت رفتن من ممکن است موقعیت دسته مانرا بخطر بیندازد . تنها چیزیکه شنیدم این بود که هر دسته میبایستی عهده دار دیده بانی جنگی و اکتشافی بشود . حالا که لباسهای زمستانیمان رسیده است، فکر میکنم گشتی غافلگیر را هم شروع خواهیم کرد .

۷۷ـ عرض کنم، در گذشته ما همیشه در تحت حمایت آتش توپخانه یکم بوده ایم ـ بنابراین فکر میکنم توپهای ۱۰۵ کالیبری آنها عهده دار این وظیفه اند .

۷۸ـ شنیدم توپهای ۸ اینچی پشت سر ما هستند ، اما هیچوقت آنها را در حال آتش ندیدم .

۷۹ـ هنگمان یك گروهان تانك دارد ولی من فقط یك مرتبه آنها را در حال تیر ـ انداز ی دیدم و آن وقتی بود که آنها از عقب جبهه بخط جبهه آمدند و چهار تیر شلیك کردند .

۸۰ـ گروهبان دسته گفت ، آنها مدل مخصوصی با توپ ۷٦ میلیمتری هستند .

(تیرانداز تفنگ)

قسمت پنجم

۸۱ـ اسم آندره میخائیلویچ پترف و سربازم .

۸۲ـ ارکان گروهان پیاده اول ، گردان ۲ ، هنگ پیاده ٤ لشکر گارد پیاده ۱ .

۸۳ـ راننده هستم .

۸٤ـ کامیون گاز (٤×٤) ـ ٦۷ و همچنین میتوانم کامیونهای گاز (٤×۲)ـ ۵۱ را برانم .

۸۵ـ موتور معمولی چهار سیلندر که بنزین مصرف میکند .

۸٦ـ رادیاتور دارد و آب در آن میریزیم .

۸۷ـ نمیدانم، ما نباید بیشتر از ٤۰ کیلومتر در ساعت در جاده های اسفالته برانیم .

۸۸ـ من سر وانرا با آن به اطراف میبردم . مثل یکی از بچه های شماست .

۸۹ـ فقط بپاسگاه فرماندهی کردان و به گروهان ۲ .

۹۰ـ ۱۵ کیلومتر در شمال آن نقطه ایکه مرا دستگیر کردید و من دیروز آنجا بودم .

۹۱ـ در چهارراهی که مرا دستگیر کردید ، برای اینکه بگروهان من بروید باید بمغرب تا چهار کیلومتر بروید تا بپل چوبی برسید . از آن عبور کنید و از زمینی که درختهای آنرا بریده اند تا از سرایت آتش بدرختهای هجوار جلوگیری شود ، بدست راست بپیچیده ، داخل دره بازی میشوید . سی متر در طول مسیلی که آنجاست بروید . پاسگاه فرماندهی در سمت راست شما در نصفه سراشیبی تپه واقع است .

۹۲ـ جاده از پست فرماندهی تا چهارراه شوسه و خاکیست . ولی از چهارراه بطرف شمال اسفالت شده است .

۹۳ـ خبر ندارم ، زیرا فرمانده گروهان هیچوقت آنجا نرفت و من هم هیچوقت چیزی راجع به آن نشنیده ام .

۹۴ـ یك هفت تیر داشت . خیال میکنم از نوع (ت ت م ـ ۱۹۳۳) توکارو بود . یك دفعه از نزدیك به آن نگاه کردم . آنها اسلحه مرا گرفتند ، من راجع به آن بیشتر از هفت تیر اطلاع دارم . من یك مسلسل دستی ۷/۶۲ م م از نوع (پ پ س ـ ۱۹۴۳) داشتم . بسیار اسلحه خوبی بود . قنداق آن بخود آن لولا شده است، تا میشود و به آسانی حمل میشود . اگر آنرا گم میکردم میتوانستم از یکی از سربازهای دیگر ارگان بگیرم ، چون تمام افراد یکی از آن نوع دارند .

۹۵ـ چیزی راجع به دستگاه نشانه روی آن بخاطر ندارم ولی سرعت اولیه آن ۱۶۴۰ فوت در ثانیه است . برد موثر آن در حدود ۲۰۳ متر ، طول تمام آن به اصطلاح شما وقتی قنداق وصل است ۳۲ اینچ و وقتی تا شده باشد ۲۴ اینچ . ظرفیت خزانه آن ۳۵۰ فشنگ ، سرعت تیراندازی آن ۶۰۰ تیر در دقیقه و سرعت تیراندازی عملی آن ۱۰۰ تیر در دقیقه است . تفنگ عقب زن است و با هوا خنك میشود ـ چیزی راجع به اسلحه های دیگر واحد نمیدانم و بهمین جهت است که راننده سروان هستم .

(افسر ویژه ستاد)

۱ـ من سروان کانتالو و جوان والنسیا اوکسپوچی ام .

۲ـ ارکان گروهان هنگ پیاده ۱۵۱ .

۳ـ لشکر پیاده ۶۲ .

۴ـ من افسر ارتباط هنگ هستم .

۵ـ در حدود ۶ هفته .

۶ـ من افسر تعویض بودم ، از آموزشگاه مخابرات " سون توفن" آمدم .

۷ـ من مسئول ارتباط دائم رادیوئی تلفن و تلگراف هنگ هستم .

۸ـ یکی معرف نقشه سیم ها که بطور کروکی برداشته شده بود و دیگری نقشه سیم ـ کشی مخابرات است .

۹ـ نقشه ایست که تمام ایستگاههای رادیوئی و سیمی را در شبکه نشان میدهد . و همچنین نشان میدهد طرز تماس پیدا کردن با ایستگاههای مخصوص کدامست .

۱۰ـ من خودم شخصا این مدارك را برای تحویل بیکی از افسران گردان ارتباط میبردم و گم شدم و کشتیهای شما مرا گرفتند .

۱۱ـ معمولا درست است . فرمانده لشکر ، سرلشکر جرمینو که عهده دار فرماندهی لشکر است ، تصمیم گرفت که مخابرات و مهندسی دسته های بمداری برای این عملیات وابستگی مستقیم با ستاد هنگ داشته باشد .

۱۲ـ بطوریکه میدانم برای دلایل اداری بود .

۱۳ـ فقط برای این عملیات .

۱۴ـ ۵ افسر و ۴۰ سرباز .

۱۵ـ همه آنها .

۱۶ـ من فرمانده هستم و البته جز و افسران هنگ هستم .

۱۷ـ البته یك ستوان بسمت معاونت خود دارم که ارکان دسته ها را اداره میکند . ستوان دیگری که جوخه رادیو زیر دست اوست و دو ستوان دیگر که بترتیب مامور قسمت مرمت شبکه و سیما هستند .

۱۸ـ خیال میکنم نمیتوانید اسمش را " ۸ ی ی " بگذارید .

۱۹ـ چندین نوع . ولی آنکه از همه بیشتر استعمال میشود نوع ۱۱۰ میباشد .

۲۰ـ (ف م ـ ۵۱۰).

۲۱ـ کابالرو .

۲۲ـ سرهنگ رامار وس ولنتی کنستانتو راموند .

۲۳ـ سرهنگ ۲ فرناندو ربرتو کابرا .

۲۴ـ وقتی فرمانده حضور ندارد ، سرگرد کارهای مربوطه را انجام میدهد . در مواقع دیگر خودش شخصا بجزئیات کارهای حوزه فرماندهی اش رسیدگی میکند .

۲۵ـ در بلیسك است .

۲۶ـ مقصودتان رئیس امور اداریست . اسمش سرهنگ ۲ مانوال ولار و عهده دار کارهای اداری مربوط به اعضاء است . کارهائی از قبیل گذارشات در صبح ، گذارشات مربوط بعده نفرات حاضر و تلفات ، درخواست مرخصی افسران ، درخواستهای تعویض و غیره را تهیه میکند .

۲۷ـ سروان فیلیپی رادریگوز کنستانتی است . او در مقابل سرهنگ مسئول تمام تعلیمات هنگ است . بعلاوه تهیه نقشه های مفصل عملیات صحرائی نیز بعهده اوست .

۲۸ـ درست است . او مسئول است . افسر عملیات و تعلیمات عهده دار جزئیات آن است .

۲۹ـ سرگرد پدرو فولوچی افسر اطلاعات است . اولین وظیفه او گردآوری اطلاعات از دشمن است . مقاصد شرایط جوی و اراضی که دشمن آنها را در جلوی خطوط ما اشغال کرده است میباشد . و این اطلاعات را در یك گذارش مبسوط برای سرهنگ تدوین مینماید .

۳۰ـ سروان انتونی گانزالس فقط افسر تدارکات نیست بلکه رئیس ستاد هنگ هم هست . کارهای از بغیر از تدارکات شامل کارهای اداری ستاد ، تامین خوار بار ستاد و مسئول نگاهداری و حفظ اتومبیلهای گروهان هم هست .

۳۱ـ سروان جورجی ساباستیان مارتینی ، فرمانده دسته پزشکی است . او عهده دار توجه و معالجه بیمارها و زخمی هاست . همچنین برای تخلیه و ارسال نفراتی که سخت ناخوشند یا زخم شدیدی دارند به بیمارستانهای صحرائی بوسیله گروهان‌ـ های امبولانس ترتیباتی میدهد .

۳۲ـ سروان پدر و کار تاجینا فرمانده است . در ارتش شما بطوریکه میدانم مهندس بیشتر جاده سازی ، مین گذاری و کشیدن سیمهای خاردار و غیره را انجام میدهند . در قوای مهاجم، مهندسین کاملا متخصص هستند . آنها دستوراتی به نفرات رزمی برای مین گذاری و ساختن پلهای کوچك برای عبور افراد پیاده و وسائط نقلیه سبك میدهند . خودشان مین ها را جمع میکنند و استحکامات مخصوص را میسازند و راهها را مسدود میکنند . همچنین گروهی برای خراب کردن و از بین بردن بوسیله مواد شدیدالانفجار دارند . این مواد تخریبی بشکل و منظور ، انفجار بیك سو ، چندین لوله دینامیت و چندین نوع دیگر برای تخریب ساخته شده اند .

۳۳ـ سنگرهای سنتی و همه نوع موانع دیگری که پیشروی ما را عقب بیندازد .

(خصوصیات زمین)

قسمت اول

۱ـ ۷۳۳۲۱۶ .

۲ـ بله .

۳ـ در محل تقاطع دو رودخانه .

٤ـ از آنطرف رودخانه .

٥ـ از آنکه از همه بزرگتر است . اسمش را نمیدانم .

٦ـ از کنار رودخانه در محل برجستگی زمین .

۷ـ این جائیست که ساحل رودخانه توی رودخانه جلو رفته است . در این نقطه یك سد شنی است که از یك سمت رودخانه بسمت دیگر میرود و این کنار خیلی خوب را تشکیل میدهد .

۸ـ غیر از جاهای دیگر رودخانه عمق این محل بیش از یك متر نمیتواند باشد .

۹ـ شب بیش وقتیکه اینطرف آمدیم ، در حدود یك متر و نیم عمق داشت .

۱۰ـ حدس میزنم عرض آن ٤ تا ٥ متر باشد .

۱۱ـ بگذارید ببینم، خیال میکنم دو متر از ساحل رودخانه که بسمت ماست .

۱۲ـ نمیدانم مقصودتان از کلمه ماموریت چیست .

۱۳ـ راستش اینستکه من مطمئن نیستم . نروهبان بما گفت ما برویم و ببینیم که امریکائیها چیزی در برجستگی زمین در محل تقاطع دو رودخانه دارند یا نه .

۱٤ـ نمیدانم . بعداز آنکه بطور خزیده بطرف ساحل رودخانه آمدیم ، من گم شدم و وقتی دنبال کشتیهایمان میگشتم ، دستگیر شدم .

۱۵ـ رویهمرفته ۸ نفر کشتی بودیم .

۱٦ـ همه مان از دسته دوم نروهان اول بودیم .

(خصوصیات زمین)

قسمت دوم

۱۷ـ افسر اطلاعات کردان به او ماموریت داد .

۱۸ـ در حدود چهار بعداز ظهر .

۱۹ـ در پشت تپه .

۲۰ـ بگذارید ببینم، در خط الراس تپه مقداری از تخته سنگهای تپه نمایان است . رودخانه از این نقطه دیده میشود .

۲۱ـ جنگلیست که قبلا بشما گفتم . در حقیقت پاسگاه فرماندهی نزدیك حاشیه غربی قسمت باز جنگل واقعست. بنظر میاید که چند مسیل در آنجاست . (مقصود از مسیل اینستکه فقط در مواقع بارانی آب دارد). در کف مسیل جاده شوسه ای ساخته ـ اند که بفرماندهی منتهی میشود .

۲۲ـ راهی که از "اکنس" میاید به این نقطه خیلی نزدیك است .

۲۳ـ یك پل کوچك در جاده است . پل روی مسیل ساخته شده. از جاده خارج شده توی مسیل سمت راست باید رفت . فرماندهی در حدود ۷۵ متر از جاده فاصله دارد .

۲٤ـ آنطرف نروهان و بسمت " اکنس" .

۲۵ـ بله .

۲٦ـ جنگلی ندیده ام، مقداری درخت در اطراف گروهان ماست ، غیر از آن در آن حدود چیزی نیست .

۲۷ـ در حدود نیم کیلومتر تقریبا بخط مستقیم از جبهه است .

۲ـ تقریبا مستقیم بجبهه است . راهی که نزدیک گردان وجود دارد ، تقریبا همین فاصله را از گردان و گروهان دارد .

۲۹ـ همینطور که قبلا گفتم، در جنگلی در سراشیبی اینطرف است. دستجات ما در کنار رودخانه هستند . پس می بینید که از رودخانه چندان دور نیست .

۳۰ـ شاید یک تپه بزرگی نیست . فکر میکنم که انتهای دنباله رشته هائیست که تقریبا بین گروهان و "اکنس" است. یک دره کوچکی در پشت تپه است که پاسگاه فرماندهی در آن واقع است. تپه بپرتگاهی منتهی میشود که پائین آن دره تنگی است. بطوریکه دیدم مقدار زیادی غار طبیعی در آن دره وجود دارد . در آن نقاط مهمات و تدارکات را پنهان میکنیم . بعضی از خمپاره اندازهای هنگی در این دره بین پست فرماندهی گروهان و جاده قرار دارند . همچنین دره و رودخانه موازی هستند و یک راه باریکی از این دره تقریبا برودخانه میرود . اینطور شنیدم که این کف قدیمی رودخانه است. دسته من درست در انتهای این راه باریک و از همه برودخانه نزدیکتر است .

(خصوصیات زمین)

قسمت سوم

۳۱ـ دسته من از جاده دست راست تا خم رودخانه که زمینهای مرتفعی دارد ، کشیده شده است. رودخانه یک طرف ساحل را بریده و پرتگاهی درست کرده است. این پرتگاه در جناح چپ دسته من است. دسته اول در سمت چپ ما و در اراضی که وقتی مزروعی بوده ، قرار دارد . خیال میکنم حالا مقداری بوته و علف هرز در قسمتهای پست ایم منطقه هست . دسته اول در گودی کنار رودخانه قرار دارد . بطوری موضع دارند که اسلحه های خودکار شان بتواند از هر طرفی که دشمن بیاید ، او را مورد شلیک قرار دهند . یک راه خیلی باریکی در آنجا هست که موازی رودخانه است. آن دسته بین بین این راه و رودخانه سنگر بسته است. دسته دیگر ما بحال آماده در نزدیکی پست فرماندهیست .

۳۲ـ این گروهان دوم گردان ماست .

۳۳ـ بگذارید ببینم ، چند روز پیش آنجا بودم که برادر مرا ببینم . خیال میکنم بیادم هست که وهان چطور موضع گرفته است . یک دسته درست نزدیک جاده است . زمین در این نقطه کاملا هموار است، درست مثل یک چمنزار . دسته از جاده تا باطلاق سنگر بندی کرده است و از تپه های دوچک و زمین های مرتفع تا آنجائیکه میشود استفاده شده است . استتار آنها خیلی خوبست . یک مسلسل در حدود ۲۰ متر از جاده موضع گرفته است . بنظر میاید که صخره ای است و فقط از نزدیک ممکنست آنرا تشخیص بدهید .

۳۴ـ دسته دوم در طرف دیگر چمنزار است ، آنها در باطلاق هستند . برادرم در این دسته است و میگفت که افراد موضعشانرا دوست ندارند . نهر کوچکی از توی مرداب برودخانه منتهی میشود . دسته برادر من در این فرورفتگی زمینست . دسته دیگر نمیدانم کجا واقعست .

۳۵ـ نمیدانم ، شنیدم برادرم میگفت دستجات ما زبان آنها را درست نمیفهمند .

۳۶ـ بطوری باطلاقیست که آنها باید از تپه های دوچکی که در اطراف پراکنده شده برای موضع گرفتن استفاده کنند . جای بسیار کثیفی است .

۳۷ـ مطمئنا نمیدانم . اینطور شنیدم ، یکی از افراد اظهار میداشت وقتی او رفته بود از معدن سنگهای خرد شده بیاورد ، دیده بود که از هنگ ماهستند ولی نمیدانست از کدام گردان . من راجع به آن واحد چیزی نمیدانم .

(خصوصیات زمین)

قسمت چهارم

۳۸ـ آن در عقب نزدیک "اکس" است .

۳۹ـ دو روز پیش .

۴۰ـ بگذارید ببینم، از راهی که داخل پاسگاه فرماندهی میشویم اکس را میتوانیم ببینیم . در خاور پست فرماندهی بود . بله ، شهر در روی یک فلات است و از فاصله نسبتا دوری دیده میشود . میدانید که لشکر آنجاست .

۴۱ـ بسیار خوب ، من از محوطه گردانم ساعت ۵ صبح بطرف جاده راه افتادم

۴۲ـ اینراه بطرف راست موضع ما که بطرف اکس میرود ، منتهی میشود .

۴۳ـ وقتیکه بجاده رسیدم ، بطرف راست رفتم . تقریبا نیم کیلومتر بطرف سر بالائی رفتم . در این نقطه نگهبان جاده ایکه در آن موانی نصب کرده بودند ، بمن ایست داد .

۴۴ـ این یك کانال قدیمیست که بمن گفتند یك چاله ضد تانك خوبیست . راه از روی پل میگذرد . در طرف دیگر پل چند تا درخت کوچك سبز شده است . آنجا یك توپ ۷۶ میلیمتری (ا ت) است و خیال میکنم یك جوخه از افراد در آنجا پایگاه دارند . در آنجا مزارعی هست . مهندسین مقدار زیادی سیم خاردار در آنجا کشیده اند . سیم خاردار در دو طرف کانال کشیده شده ، بیادم نیست که اخگری در آن نقطه هست یا نه .

۴۵ـ یك دفعه بله . ما آنها را هفته گذشته بخارج فرستادیم . در حال حاضر کسی آنجا زندگی نمیکند ولی هنوز بعضی از اهالی در اطراف زندگی میکنند .

۴۶ـ پس از اینکه شناسنامه ام را بنگهبان نشان دادم ، براه خود ادامه دادم . راه را تا خط الراس طبیعی رفتم و وقتی ببالا رسیدم خیلی تشنه و گرم شده بود . در کلیسیا و قبرستان بالای تپه یك چاه هست ، در آنجا آب خوردم ، یك سیب از درخت چیدم و استراحت کردم . خیال میکنم آنجا نشستم و به اطراف نگاه کردم . در افق چندین کوه بلند دیدم . یکی از آنها بینهایت بلند بود . قله آن از پشت درختها بیرون آمده بود . بین کوه و نقطه ای که نشسته بودم یك دریاچه قشنگی دیده میشد . خیلی بزرگ نبود ولی خیلی قشنگ بود . میتوانستم با چشم مسیر رودخانه را که بسرعت بدریا میریخت دنبال کنم .

۴۷ـ راه را بطرف ستاد هنگ ادامه دادم . از همان راه تا پائین تپه رفتم . این تپه قسمتی از رشته کوه است . راه روزمین بطرف پائین سراشیبی ملایمی دارد . زمین آنجا ناهموار بهای کوچکی دارد . تنه درختهائیکه برای جلوگیری از سرایت آتش بدیگر قسمتهای جنگل بریده شده بود ، در آنجا پر بود . چمن ـ زارهای زیادی در اطراف بود . راه با جاده دیگری عمودا تقاطع میکند . پاسگاه فرماندهی درست در عقب کوه مرتفعیکه در گوشه چهارراه جنوب شرقی است ، واقع شده است . راهیکه بپست فرماندهی منتهی میشود در امتداد اینکوه و درست نزدیك راهیست که من در آن بودم .

در آنجا آبگیری کوچک که از یک چشمه تولید شده بود ، یافت میشد .
چادر فرماندهی درست در نزدیک این نقطه است . این تقریبا چیزیست که
راجع بستاد هنک میدانم .

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

پایان

xxxxxxxxxxxxxxxxxxxxxx

ARMY-ALSOPP, CALIF-54-500-2500

LIBRARY OF CONGRESS
0 033 261 346 7

DISPATCHED
1 AUG 954
ARMY LANGUAGE SCHOOL
PRESIDIO OF MONTEREY
CALIF.